



پنج ماهه‌گی حکومت؛

متحدان عبدالله از وی ناراضی اند



توافق‌نامه سیاسی میان محمد اشرف غنی و عبدالله عبدالله، به هدف حل تنش‌های سیاسی ناشی از انتخابات ۱۳۹۸، پنج ماهه شد. با این حال تاکنون تنها بخش کمی از این توافق‌نامه عملی شده است. از میان پنج بخش اساسی که در توافق‌نامه سیاسی آمده است، تنها عبدالله عبدالله و معاونانش در جریان این مدت به کرسی‌هایشان تکیه زده‌اند و افزون بر این، فهرست نامزد وزیران نهایی شده است. منابع رسمی در سپیدار حاضر نیستند که درباره پیشرفت‌های احتمالی و دلایل تعلل در اجرا شدن این توافق‌نامه ابراز نظر کنند. با این حال، معلومات در سپیدار نشان می‌دهد که پس از دخیل شدن آقای عبدالله در روند صلح، وی فرصت نیافته است که مواد توافق‌نامه سیاسی را اجرایی کند. در این مدت حتا کارمندان شورای عالی مصالحه ملی به دلیل نداشتن تشکیل این شورا، نتوانسته‌اند معاش‌هایشان را دریافت کنند. برخی از متحدان سیاسی عبدالله عبدالله از کم‌کاری وی در راستای اجرایی کردن مواد توافق‌نامه سیاسی ...

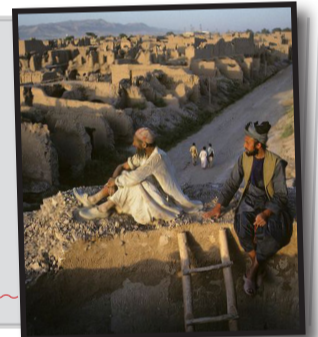


۲۳۹۳ منسوب پولیس به لوی سار نوالی معرفی شده‌اند

افزایش خشونت علیه زنان در بادغیس زیر سایه کرونا

افغانستان، جامعه‌شناسی سیاسی استمرار جنگ و تکرار چند اشتباه تاریخی

نخست، چرایی ضعف پایه‌های نظری سیاست و حکومت در نزد گروه‌های سیاسی. استمرار این امر موجب شده تا تقلید و پیروی جایگزین توسعه فراگیر و دوام‌دار در افغانستان شود. دوم، مشارکت سنتی در قدرت. این نقیصه از یک‌طرف فرایندهای دموکراتیک را آسیب زده است و از طرفی تقریباً تمام رژیم‌های سیاسی این کشور را وادار به باج‌دهی موسمی ساخته است.



گرمایش زمین، یخچال‌های طبیعی کوه بابا در بامیان را متاثر کرده است



تغییر اقلیم که در قرن بیست‌ویکم زنده‌گی بشر و ایکوسیستم را متاثر ساخته است، در کشور ما نیز دسترسی به منابع طبیعی، صحت، معیشت انسان‌ها، درجه‌ی حرارت و هم‌چنان ثبات ایکوسیستم‌ها را متاثر می‌سازد. مقام‌های اداره‌ی محیط زیست در ولایت بامیان، با ابراز نگرانی از پی‌آمدها و خطرات ناشی از تغییرات اقلیم می‌گویند که در سال‌های اخیر، یخ‌های...

ارگ: طالبان با سوءاستفاده از نیت نیک «دولت و ملت» حملاتشان را افزایش داده‌اند

صبح، کابل: صدیق صدیقی، سخنگوی ریاست جمهوری، می‌گوید حمله‌های اخیر طالبان در هلمند و غور نشان داد که طالبان از نیت نیک و صادقانه‌ی دولت و مردم افغانستان برای تأمین صلح سوءاستفاده می‌کنند و به جنگ ادامه داده‌اند. سخنگوی ریاست جمهوری روز دوشنبه، بیست‌وهشتم میزان، در یک رشته توییت، جنگ طالبان را علیه مردم و دولت افغانستان «ناروا» خوانده است. به گفته‌ی او، اتفاقات اخیر در هلمند و غور نشان می‌دهد که طالبان از نیت صلح‌خواهانه‌ی دولت و مردم افغانستان سوءاستفاده می‌کنند و حمله‌های «وحشیانه و دهشت‌انگانه‌ی شان» را در برابر ملت افزایش داده‌اند. صدیق صدیقی توضیح داده است که دولت و ملت با موافقت به رهایی شش هزار و ۱۰۰ زندانی خطرناک طالبان، بزرگ‌ترین تصمیم برقراری صلح باعزت و پایدار در افغانستان

عبدالله و روحانی درباره روند صلح افغانستان گفت‌وگو کردند



صبح، کابل: عبدالله عبدالله، رئیس شورای عالی مصالحه‌ی ملی روز دوشنبه، بیست‌وهشتم میزان، در دومین روز حضور خود در تهران، با حسن روحانی، رئیس‌جمهور این کشور، دیدار کرد. طبق اعلام سپیدار، رئیس‌جمهور ایران در این دیدار گفته است که کشورش از صلح پایدار و قابل قبول برای مردم افغانستان با حفظ دست‌آوردهای مردم حمایت و پشتیبانی می‌کند. روحانی صلح در افغانستان را به نفع منطقه خوانده و ابراز امیدواری کرده که تلاش‌های صلح در افغانستان نتیجه بدهد. حسن روحانی هم‌چنان خواستار عملی شدن طرح‌های اقتصادی مشترک ایران و افغانستان شده است. در مقابل، عبدالله عبدالله از دعوت ایران قدردانی

پرواز های همه روزه
کابل - کندهار - کابل

کابل کندهار: ساعت ۴ بعد از ظهر

کندهار کابل: ساعت ۶ شام





چه کسی از توافق نامه تخلف ورزیده است؟

در یک هفته‌ی اخیر طالبان به گونه‌ی بی‌پیشینه‌ای، حملات‌شان را بر نیروهای امنیتی افغانستان افزایش داده‌اند. حمله بر هلمند که گفته می‌شد برای گرفتن مرکز این ولایت راه‌اندازی شده بود، کلان‌ترین حمله از این نوع بود. هم‌زمان با آن در ولایت بدخشان نیز حملات طالبان شدت گرفت. حمله موتر بمب بر مرکز ولایت غور نیز یک فاجعه بزرگ انسانی آفرید. این حمله در حدود ۱۵۰ نفر کشته و زخمی برجا گذاشت. در حمله‌ی هلمند بر اساس گزارش‌ها ۳۰۰ طالب کشته شدند. نیروهای امریکایی بر مواضع طالبان حملات شدید هوایی انجام دادند. این حملات باعث شد که طالبان به گونه‌ی رسمی واکنش نشان بدهند و امریکا را به نقض توافق‌نامه‌ی دوحه متهم کنند. آن‌ها امریکایی‌ها را متهم به «تخلف مکرر» از توافق‌نامه‌ی دوحه کرده‌اند. هم‌چنان در بیانه‌ی آن‌ها هشدار داده شده است که این حملات می‌تواند به توافق‌نامه‌ی دوحه آسیب برساند.

زلمی خلیل‌زاد، نماینده امریکا در امور صلح افغانستان، در یک رشته توییت گفته است که این اتهامات بی‌بنیاد است و نباید تلاش صورت گیرد تا از طریق خشونت در میز مذاکرات امتیاز گرفته شود. او هم‌چنان گفته است که موضوع محوری در توافق‌نامه‌ی دوحه، کاهش خشونت‌ها بود. سخنگوی وزارت امور خارجه امریکا نیز در توییتی اظهارات طالبان را رد کرده و گفته است که نه تنها توافق‌نامه‌ی دوحه، بلکه رعایت اعلامیه مشترک کابل-واشنگتن برای رسیدن به صلح مهم است.

نیروهای امریکایی در افغانستان نیز گفته‌اند که حملات این گروه بر جنگ‌جویان طالبان مطابق توافق‌نامه‌ی دوحه و اعلامیه‌ی مشترک کابل-واشنگتن انجام شده است.

هرچند طالبان در آغاز مذاکرات به زعم خود حملات‌شان بر بزرگ‌شهرها را کاهش داده بودند، اما شکل این حملات حتا در بزرگ‌شهرها نیز تغییر کرده بود و حملات قطع نشده بود. تمرکز روی حمله با بمب‌های مقناطیسی، ماین‌های کنار جاده و ترورهای هدفمند هم‌چنان در بزرگ‌شهرها ادامه یافت و در کنار آن جنگ گرم نیز ادامه داشت و هرگز قطع نشد.

در یک هفته‌ی اخیر و با به بن‌بست رسیدن گفت‌وگوهای صلح در دوحه، طالبان حملات گسترده‌ای را بر بزرگ‌شهرها آغاز کردند. حمله بر شهر لشکرگاه بحث کاهش خشونت‌ها را پایان داد. این جنگ چنان سنگین بود که نیروهای امریکایی مجبور به واکنش شدند. نیروهای امریکایی وقتی می‌گویند که حملات هوایی‌شان براساس توافق‌نامه‌ی دوحه و اعلامیه‌ی مشترک کابل-واشنگتن انجام یافته است، معنای تلویحی آن این است که طالبان خود توافق‌نامه‌ی دوحه را نقض کرده‌اند. اگر در توافق‌نامه‌ی دوحه به قول زلمی خلیل‌زاد مساله اصلی کاهش خشونت‌ها بوده است، پس افزایش خشونت‌ها به معنای نقض صریح آن توافق‌نامه است و طرف‌های امضاکننده آن توافق‌نامه را به گونه‌ی طبیعی به وضعیت پیش از امضای آن می‌برند.

موفقیت هرگونه صلحی در گرو پای‌بندی طرف‌ها به مفاد توافق‌نامه‌ی صلح است. اگر مفاد توافق‌نامه‌ی صلح نقض شود، الزامیت طرف‌ها بر رعایت کامل آن از میان می‌رود.

امریکایی‌ها حملات هوایی‌شان را در پاسخ به حملات گسترده طالبان بر لشکرگاه انجام دادند. حملات آن‌ها در واقع واکنشی بوده است. طالبان برخلاف توافق‌نامه‌ی دوحه، جنگ را تا سرحد تلاش برای گرفتن مرکز یکی از ولایت‌ها شدت بخشیدند، طبیعی است که برای نهادهای امریکایی و مردم افغانستان دیگر توافق‌نامه‌ی دوحه قابل دفاع نیست.

پس از امضای توافق‌نامه‌ی دوحه، فرستاده ویژه امریکا به کانگرس فرا خوانده شد و اعضای کانگرس از او درباره ادامه حملات طالبان سوال کردند. طبیعی است که نماینده امریکا در امور صلح افغانستان برای کانگرس امریکا و افکار عمومی امریکاییان پاسخ قناعت‌بخشی نداشت.

برای همین اگر قرار است این گفت‌وگوها به نتیجه‌ای برسند، باید مفاد توافق‌نامه‌های امریکا با دولت افغانستان و گروه طالبان عملی شوند و طرف‌ها پای‌بند به فیصله‌های آن توافق‌نامه باشند.

از آغاز گفت‌وگوهای امریکایی‌ها با طالبان این سوال همیشه مطرح بوده است که آیا طالبان می‌توانند به تعهدهایی که می‌کنند، پایبند باشند؟ از سوی دیگر پیمان امنیتی‌ای که امریکایی‌ها با دولت افغانستان امضا کرده‌اند، آن‌ها را ملزم به حمایت از نیروهای امنیتی افغانستان می‌کند. پیمان امنیتی هنوز پابرجا است و امریکایی‌ها براساس این پیمان خود را ملزم به حمایت از نیروهای امنیتی افغانستان می‌دانند.

از سوی دیگر مقام‌های نظامی امریکا و در مورد اخیر دبیر کل ناتو در مورد خروج سربازان امریکایی نیز با مسوولیت سخن گفته‌اند. خروج زمانی عملی می‌گردد که شرایط خروج مهیا باشد. دبیر کل ناتو گفت که خروج بسته‌گی به تایید اعضای تشکیل‌دهنده‌ی ناتو دارد، همان‌گونه که آمدن این نیروها به افغانستان براساس تصمیم مشترک ناتو و امریکایی‌ها عملی شد.

طالبان اگر می‌خواهند گفت‌وگوهای صلح ادامه یابد، باید اول خود به توافق‌نامه‌ای که با امریکایی‌ها امضا کرده‌اند، پایبند باشند.

امران‌الله صالح: پوشش استخباراتی کوچه به کوچه در کابل آغاز شده است



۸صبح، کابل: امران‌الله صالح، معاون اول ریاست جمهوری که مدیریت امنیت کابل را بر عهده دارد، اعلام کرد که پوشش استخباراتی کوچه به کوچه آغاز شده است.

صالح روز دوشنبه، بیست‌وهشتم میزان، دومین فیصله خود برای تأمین امنیت در شهر کابل را همه‌گانی کرد.

او روز گذشته نخستین فیصله خود را درباره مدیریت امنیت کابل اعلام کرده بود.

صالح گفته است که طبق فیصله جدید، پوشش استخباراتی کوچه به کوچه، سرای به سرای و محله به محله آغاز شده است.

او می‌گوید که هیچ کسی حق ندارد به نیروهای امنیت ملی دروغ بگوید و یا حقیقت را کتمان کند.

به گفته او، ساحاتی که زیر پوشش قرار می‌گیرد، اگر از آن‌جا جرم و جنایت سر می‌زند و پرسش‌نامه‌ها به صورت جعلی، خانه‌پری می‌شود، موضوع پی‌گیری و دروغ‌گو شریک «مجرم و تروریست» به نهادهای عدلی و قضایی معرفی می‌شود.

صالح هم‌چنان گفته است که طبق فیصله‌ی جدید به گداها اجازه ایستاد شدن و یا بساط پهن کردن در وسط جاده‌ها داده نمی‌شود.

او از جانب دیگر گفته است که بلندمنزل‌هایی که امر ساختمان ندارند، اما کار آن‌ها جریان دارد، تخریب می‌شوند، چنان‌که روز گذشته دو نمونه تخریب شده‌اند.

معاون اول ریاست جمهوری هم‌چنان گفته است که شهرداری کابل موظف شده است تا فهرست تمام بلندمنزل‌هایی را که غیرقانونی و بدون اجازه ساخته شده‌اند، ترتیب کند تا جریمه روی آن‌ها وضع شود. صالح توضیح داده است: «یعنی همان اندازه‌ای را که بدون مجوز

مسوول حملات انتحاری داعش در ننگرهار بازداشت و قاضی این گروه کشته شد



۸صبح، کابل: مقام‌های محلی در ننگرهار می‌گویند که در پی اجرای دو عملیات جداگانه نیروهای ویژه امنیت ملی، مسوول حملات انتحاری طالبان بازداشت و قاضی نام‌نهاد این گروه کشته شده است.

عطاءالله خوگیانی، سخنگوی والی ننگرهار، روز دوشنبه، بیست‌وهشتم میزان به روزنامه ۸صبح گفت که این دو عملیات شب گذشته در شهر جلال‌آباد، مرکز ولایت ننگرهار اجرا شده است. خوگیانی از مسوول حملات انتحاری گروه داعش به نام «محمدنبی» مشهور به «یوبی» یاد کرد.

او هم‌چنان گفت که امین، قاضی نام‌نهاد گروه داعش که به معاویه مشهور بود، در درگیری با نیروهای امنیت ملی کشته شد.

نیروهای امنیت ملی در این عملیات مقداری سلاح و مهمات نیز به دست آورده‌اند.

هرچند به صورت مکرر شکست داعش در ننگرهار از سوی دولت اعلام شده است، اما اخیراً شماری از اعضای این گروه از شهر جلال‌آباد و ولسوالی این ولایت بازداشت شده‌اند.

به نظر می‌رسد که این گروه هم‌چنان به فعالیت خود در ننگرهار ادامه داده است.

کابینه، روز چهارشنبه برای گرفتن رای اعتماد به مجلس نماینده‌گان معرفی می‌شود

۸صبح، کابل: قرار است اعضای کابینه روز چهارشنبه، سی‌ام میزان، به مجلس نماینده‌گان معرفی شوند.

هیأت اداری مجلس نماینده‌گان، در جریان نشست روز عمومی دوشنبه این مجلس اعلام کرد که اعضای کابینه توسط رییس جمهور غنی به مجلس معرفی خواهند شد.

در این نشست به اعضای مجلس نماینده‌گان درباره رعایت نکاتی به هدف تأمین امنیت مراسم روز چهارشنبه توصیه شد.

میررحمان رحمانی، رییس مجلس نماینده‌گان گفت که کمیسیون‌های مربوط یک هفته پس از معرفی نامزدوزیران اسناد آن‌ها را ارائه کنند تا اعضای کابینه برنامه‌های‌شان را معرفی کنند. حکومت پیش‌تر اعلام کرده بود که اعضای کابینه را برای گرفتن رای اعتماد در جریان هفته‌ی جاری به مجلس نماینده‌گان معرفی می‌کند.

از امضای توافق‌نامه سیاسی بین رییس جمهور غنی و عبدالله عبدالله، رییس شورای عالی مصالحه‌ی ملی که ۲۸ ثور امضا شد، پنج ماه می‌گذرد، اما معرفی اعضای کابینه زمان طولانی را در بر گرفت.

طبق این توافق‌نامه، اعضای کابینه و مقامات ارشد از سوی غنی و عبدالله به صورت مساویانه معرفی می‌شدند.

در حال حاضر، همه‌ی اعضای کابینه معرفی شده‌اند و قرار است روز چهارشنبه به مجلس نیز معرفی شوند.

پیش‌تر مجلس نماینده‌گان گفته بود که اسناد و مدارک نامزدوزیران و نامزد ریاست‌های مستقل بررسی شده است.



عبدالله:

طرح حکومت موقت به صلح کمک نمی‌کند

۸صبح، تهران: عبدالله عبدالله، رییس شورای عالی مصالحه ملی، می‌گوید که طرح حکومت موقت نمی‌تواند به روند صلح کمک کند.

عبدالله این مطلب را یک‌شنبه‌شب در گفت‌وگویی با «شبکه ۲» ایران مطرح کرد. او در این گفت‌وگو که به صورت زنده پخش می‌شد، تصریح کرد که مذاکرات صلح در مرحله مقدماتی خود به سر می‌برد و تا هنوز کارشویه این مذاکرات تهیه نشده است.

عبدالله اعلام کرد که هرچند موضوع حکومت موقت تا کنون روی میز بحث گذاشته نشده است، اما طرح آن، کمکی به روند صلح نخواهد کرد.

به گفته عبدالله، نتیجه‌ای که از طرح حکومت موقت انتظار می‌رود، روشن نیست و نمی‌تواند راه حلی برای رسیدن به صلح پایدار باشد.

عبدالله تاکید کرد که هدف از مذاکرات جاری، دست یافتن به صلح پایدار است و برای رسیدن به این هدف، دو طرف باید روی یک بسته جامع به توافق برسند.

رییس شورای عالی مصالحه ملی در حالی این سخنان را بیان داشت که اخیراً زمزمه‌هایی از تشکیل حکومت موقت به عنوان یکی از راه‌حل‌ها برای دست یافتن به صلح در کشور مطرح شده است. قبلاً ریاست جمهوری کشور با ایده تشکیل حکومت موقت سرسختانه مخالفت کرده است.

۲۳۹۳ منسوب پولیس به لوی سارنوالی معرفی شده‌اند



عبدالحمید حسینی

وزارت امور داخله حدود دو هزار و ۳۹۳ تن از منسوبان پولیس را به ارتکاب جرایم جنایی چون قتل و سرقت در دو سال گذشته بازداشت و به لوی سارنوالی معرفی کرده است. این اداره گفته است که برنامه‌ی اصلاحی در وزارت امور داخله از دو سال به این سو آغاز شده و در پی آن دست‌آورد‌های ملموسی در قسمت صرفه‌جویی منابع انسانی و مادی به وجود آمده است. این وزارت افزوده است که در اثر تطبیق این برنامه، جلو نفوذ گروه‌های تروریستی و استخباراتی در صفوف پولیس گرفته شده است. این وزارت هم‌چنان گفته است که روند تطبیق برنامه اصلاحی ادامه دارد تا روند آسیب‌پذیری پولیس کاهش یابد.

محمدداوود حساس، رییس امنیت داخلی وزارت امور داخله، روز دوشنبه، بیست‌وهشتم میزان، در یک نشست خبری در کابل گفت که برنامه اصلاحی در وزارت امور داخله با آغاز سال ۱۳۹۸ هجری خورشیدی آغاز شد که یکی از بخش‌های آن تغییر محتوا و شکل کار ریاست عمومی استخبارات سابق این وزارت بوده است. از آن‌جایی که این ریاست در موازات «ریاست مبارزه علیه تروریسم» حرکت می‌کرده و عین فعالیت را انجام می‌داده است، وزارت امور داخله تشکیلات آن را ملغا و یک ریاست جدید را ایجاد کرده است. به گفته‌ی آقای حساس، فعالیت این ریاست بیش‌تر متمرکز بر مبارزه علیه فساد، جلوگیری از نفوذ گروه‌های تروریستی و مخالف دولت و پیش‌گیری از نفوذ سازمان‌های استخباراتی در قوای پولیس است. این در حالی است که به گفته‌ی او، موجودیت فساد در وزارت امور داخله، توانایی‌های پولیس را دچار فرساینده‌گی کرده بود. پیش از این رییس جمهور غنی این وزارت را «قلب فساد» در بین ادارات خوانده و از مسوولان وزارت امور داخله خواسته بود که در این بخش گام‌های جدی بردارند. با این حال برنامه‌های اصلاحی که وزارت امور داخله انجام داده است، تا جایی پرده‌آورد خوانده شده است. این وزارت می‌گوید که در ادامه‌ی برنامه‌های اصلاحی حدود دو هزار و ۳۹۳ تن از منسوبان پولیس و غیرنظامیانی که در تیبانی با پولیس مرتکب جرم شده بودند، بازداشت و به لوی سارنوالی معرفی شده‌اند. این افراد به ارتکاب جرایمی چون قتل، سرقت، زنا و لواط بازداشت شده‌اند. محمدداوود حساس، رییس امنیت داخلی وزارت امور

داخله، گفت که از مجموع بازداشت‌شده‌گان حدود یک هزار و ۳۳۲ تن به جرم فساد اداری، ۸۶ تن به جرم جنایی و نقض حقوق بشری مثل قتل، ۳۲ تن به جرم سرقت، ۱۵۳ تن به جرم زخمی کردن و ۳۱ تن به جرایم علیه عفت مثل زنا و لواط بازداشت و دوسیه‌های‌شان برای پی‌گرد عدلی و قضایی به لوی سارنوالی فرستاده شده است. به همین ترتیب آقای حساس بیان داشت که وزارت امور داخله در امر شناسایی افراد نفوذی «دشمن» نیز دست‌آورد داشته است. به گفته‌ی او ۵۴ تن به جرم جاسوسی برای «دشمن» شناسایی و بازداشت شده‌اند. علاوه بر این، وی تصریح کرد که ۸۰ نفر دیگر مشکوک بوده و وزارت امور داخله کدام سند و مدرکی که بتواند مجرم بودن آنان را ثابت کند، پیدا نتوانسته است، از این رو این افراد از ساحات «کتیف به پسیف» یعنی از ساحاتی که سلاح و مهمات بوده به جاهایی که سلاح نیاز نباشد و یا هم به اسناد محرم دسترسی نداشته باشند، تبدیل شده‌اند. هم‌چنان وی بیان داشت که ۱۰۳ تن را از صفوف پولیس منفک کرده و در کنار آن توانسته‌اند ۱۵۱ قرار از سال ۱۳۹۵ الی ۱۳۹۷ را گرفتار کنند. علاوه بر این، حساس خاطر نشان کرد که در جریان دو سال گذشته ۶۴۷ منسوب پولیس خیالی را کشف و از لیست حذف

کرده‌اند. **۱۶۱ واسطه نقلیه از نزد افراد غیرمسوول جمع‌آوری شده است**
محمدداوود حساس، رییس امنیت داخلی وزارت امور داخله، تصریح کرد که در ادامه‌ی برنامه‌ی اصلاحی وزارت امور داخله، وسایط، مهمات و منسوبان پولیس که برای خدمت نزد افراد و اشخاص توظیف بودند، جمع‌آوری و پس گرفته شده‌اند. وی گفت که برای جمع‌آوری سلاح، مهمات و پرسنل خدمتی پولیس، یک کمیسیون شکل گرفته بود که در راس آن مدیران در مرکز و ولایات توظیف شدند که در فاصله یک ماه ۳۰۳ نوع سلاح مختلف و ۱۶۱ عراد واسطه نقلیه از نزد افراد غیرمسوول جمع‌آوری شده است. به همین ترتیب وی ادامه داد که نزدیک به ۳۰۰ تن از منسوبان پولیس که نزد افراد خدمتی بودند، جمع‌آوری و به تشکیلات پولیس اضافه شده‌اند. علاوه بر این، آقای حساس افزود که در این مدت زمانی ۵۰۸ میل سلاح، ۳۵ هزار مهمات و ۳۰۰ حلقه ماین نیز به دست آمده است. افزون بر این وی بیان داشت که ۱۸ عراد واسطه نقلیه که توسط پولیس‌های منفک شده پنهان شده بود، کشف و ضبط شده است. او گفت: «در حدود ۱۶۵۰ کیلو مواد مخدر را کشف و ضبط کردیم و ۲۳ نفر از عاملان جرمی‌اش را

نیز دستگیر کردیم.»
این در حالی است که میک یا کمیته مستقل مشترک نظارت و ارزیابی مبارزه با فساد اداری گفته بود که ۱۷۰ واسط نقلیه وزارت امور داخله شامل رینجر در نزد افراد غیرمسوول است.

بدهکاری صفر شده است
رییس امنیت داخلی وزارت امور داخله بیان داشت که با تطبیق برنامه اصلاحی، دست‌آورد‌های خوبی در زمینه کاهش مصرف مواد اعاشه‌ای، تیل و مواد سوختی به دست آمده است. او گفت که وزارت امور داخله در سال‌های گذشته در بخش مواد اعاشه‌ای بدهکاری داشت که تا سال ۱۳۹۸ این بدهکاری به دوونیم میلیارد افغانی می‌رسید. حساس اما بیان داشت که با تطبیق برنامه‌های اصلاحی، بدهکاری این وزارت به صفر رسیده است. او گفت: «حساباتی که داریم، سقف بودجه اعاشه‌ای ما در سال ۱۳۹۹ هجری خورشیدی به ۷ میلیارد افغانی می‌رسد. ما نه تنها که اضافه مصرف نشدیم، بلکه تا ختم سال مالی ۵۰۰ میلیون افغانی تصرف شدیم و احتمالاً این پول در بخش اعاشه‌ای سال ۱۴۰۰ به مصرف می‌رسد.»
به همین ترتیب در بخش تیل نیز صرفه‌جویی صورت گرفته است. به گفته‌ی حساس، در سال ۱۳۹۹ هجری خورشیدی ۲۲ میلیون لیتر تیل صرفه‌جویی شده که به گفته‌ی او یک رقم درشت است. او ابراز امیدواری کرد که تا ختم سال جاری این رقم به ۲۸ میلیون لیتر برسد. به همین ترتیب آقای حساس بیان داشت که در بخش مهمات نیز صرفه‌جویی شده است. رییس امنیت داخلی وزارت امور داخله گفت، به رغم این‌که در سال جاری و سال گذشته جنگ شدت یافته، اما ۲۱ میلیون فیر مهمات مختلف‌النوع تصرف و صرفه‌جویی شده است. وزارت امور داخله در حالی از مبارزه با فساد و صرفه‌جویی خبر می‌دهد که پیش از این مقام‌های ارشد حکومتی از جمله رییس جمهور غنی در مناسبت‌های مختلف از وجود فساد در این وزارت انتقاد کرده بودند. باری رییس جمهور این وزارت را «قلب فساد» توصیف کرده بود.



پنج ماهه‌گی حکومت؛

متحدان عبدالله از وی ناراضی‌اند



حبیب‌الله

توافق‌نامه سیاسی میان محمدشرف غنی و عبدالله، به هدف حل تنش‌های سیاسی ناشی از انتخابات ۱۳۹۸، پنج ماهه شد. با این حال تاکنون تنها بخش کمی از این توافق‌نامه عملی شده است. از میان پنج بخش اساسی که در توافق‌نامه سیاسی آمده است، تنها عبدالله عبدالله و معاونانش در جریان این مدت به کرسی‌های‌شان تکیه زده‌اند و افزون بر این، فهرست نامزدوزیران نهایی شده است. منابع رسمی در سپیدار حاضر نیستند که درباره پیش‌رفت‌های احتمالی و دلایل تعلل در اجرا شدن این توافق‌نامه ابراز نظر کنند. با این حال، معلومات در سپیدار نشان می‌دهد که پس از دخیل شدن آقای عبدالله در روند صلح، وی فرصت نیافته است که مواد توافق‌نامه سیاسی را اجرایی کند. در این مدت حتا کارمندان شورای عالی مصالحه ملی به دلیل نهایی نشدن تشکیل این شورا، نتوانسته‌اند معاش‌های‌شان را دریافت کنند. برخی از متحدان سیاسی عبدالله عبدالله از کم‌کاری وی در راستای اجرایی کردن مواد توافق‌نامه سیاسی و هم‌چنان ماهیت تقسیم سهم به دسته انتخاباتی ثبات و هم‌گرایی ناراضی‌اند و از برخورد ارگ پیرامون این موضوعات نیز دل خوش ندارند. برخی از سیاسیون برجسته اما معتقد اند که توافق ارگ و سپیدار یک توافق‌نامه دایمی و قابل اعتبار نیست و ارگ از آن برای آرام ساختن سپیدار استفاده کرده است. توافق‌نامه سیاسی میان محمدشرف غنی و عبدالله در بیست‌وهشتم ثور سال روان امضا شد. اکنون که پنج ماه از امضای این توافق‌نامه می‌گذرد، بیش‌تر بخش‌های توافق‌نامه اجرایی نشده است. از میان پنج بخش اجرایی توافق‌نامه زیر عنوان «شورای عالی دولت»، «مقام ریاست شورای عالی مصالحه»، «تقدیر از رهبران پیشین روند صلح»، «مشارکت در حکومت»

و «اصلاحات»، تنها عبدالله عبدالله کارش را به عنوان رییس شورای عالی مصالحه آغاز کرده است و معاونان وی در این شورا نیز تقرر یافته‌اند. افزون بر این، فهرست کابینه نهایی شده و قرار است که نامزدوزیران روز چهارشنبه، سی‌ام میزان به مجلس نماینده‌گان معرفی شوند. بدین ترتیب، سپیدار دست‌کم در جریان سه ماه اخیر هیچ‌گونه تحرک محسوس در راستای اجرایی کردن توافق‌نامه سیاسی نداشته و حتا تلاش این نهاد برای شکل دادن کمیته رهبری شورای عالی مصالحه ملی به تنش‌ها انجامیده است. با وجود تلاش‌های مکرر، منابع رسمی در سپیدار حاضر نیستند که در مورد تلاش‌ها پیرامون اجرایی کردن مواد توافق‌نامه و چرایی تأخیر در آن صحبت کنند. با این حال، منابعی در این نهاد پیش از این به روزنامه ۸صبح گفته‌اند، باز شدن پای آقای عبدالله به روند صلح سبب شده است که وی همه نیرویش را به این موضوع متمرکز سازد. آقای عبدالله در دهم جوزا گفت که کار شورای عالی مصالحه ملی به گونه رسمی آغاز شده است. پس از آغاز کار وی، تنها بحث روی تشکیل کمیته رهبری این شورا ادامه یافت که سرانجام در اوایل سنبله سال روان و به محض اعلام شدن، تنش‌زا شد. بدین ترتیب، سپیدار هنوز نتوانسته است که تشکیل کمیته رهبری و مجمع عمومی شورای عالی مصالحه ملی را به عنوان بخش‌های کلیدی این شورا، نهایی کند. افزون بر این، برخی از کارمندان شورای عالی مصالحه ملی می‌گویند که کارمندان این نهاد با وجود سپری شدن پنج ماه از آغاز کار آن، هنوز معاش دریافت نکرده‌اند. گفتنی است که آقای عبدالله پس از آغاز کارش، تاکنون به قطر، پاکستان، هند و ایران سفرهای رسمی داشته است و در این سفرها، افزون بر گشایش مذاکرات بین‌الافغانی، تلاش کرده است که اجماع منطقه‌ای را پیرامون صلح افغانستان شکل دهد. در همین حال، تعلل سپیدار در اجرایی کردن مواد توافق‌نامه سیاسی اسباب ناراضی‌مندان آقای عبدالله

به زودی و راحتی عملی نخواهد شد. برخی از سیاسیون نیز باور دارند که «موافقت‌نامه ارگ و سپیدار به مفهوم یک موافقت‌نامه دایمی و قابل اعتبار نیست». احمدضیا مسعود، معاون حزب جمعیت اسلامی روز دوشنبه، بیست‌وهشتم میزان به روزنامه ۸صبح گفت که این توافق‌نامه تنها برای آرام ساختن سپیدار بوده است تا از دوام مبارزه سیاسی برای آوردن تغییر در ساختار سیاسی منصرف شود. به گفته‌ی وی، رییس جمهور «غنی در زنده‌گی سیاسی‌اش هیچ‌گاه متعهد به قراردادهای و موافقت‌نامه‌ها با شخصیت‌ها و احزاب سیاسی نبوده است و هر وقتی از تنگناهای سیاسی عبور کند، موقف خود را تغییر می‌دهد». آقای مسعود می‌گوید که ارگ دوست ندارد تا عبدالله به حیث رییس شورای عالی مصالحه ملی ابتکار صلح را در دست داشته باشد. به باور معاون حزب جمعیت اسلامی، در مذاکرات فعلی دوحه نیز همه چانه‌زنی‌ها میان دو تیم ارگ و طالبان است و قصر سپیدار در آن نقشی ندارد. احمدضیا مسعود افزود که در مشارکت سیاسی میان ارگ و سپیدار نیز مشکلاتی وجود دارد و تعیینات والیان، سفرا و سایر مقام‌های بلندرتبه حکومتی پیش از پیش از سوی ارگ صورت گرفته است. وی تصریح می‌کند که آینده نامزدوزیران پیشنهاد شده سپیدار نیز در هاله‌ای از ابهام قرار دارد، زیرا هنوز شرایط رای آوردن نامزدوزیران روشن نیست. گفتنی است که تحرک ارگ برای محدود کردن برخی از صلاحیت در کرسی‌های مربوط به سپیدار، واکنش‌برانگیز شده بود و نگرانی برخی از متحدان سپیدار را در پی داشت. ارگ ریاست جمهوری حدود سه هفته یک حکمی را همه‌گانی کرد که در آن گفته شده بود، وزارت امور داخله هنگام تعیین فرماندهان پولیس ولسوالی‌ها با شورای امنیتی ملی هم‌آهنگی کند. این حکم، واکنش‌های گسترده‌ای را در پی داشت و برخی از متحدان آقای عبدالله آن را تلاش برای سلب صلاحیت محمدمسعود اندرانی، سرپرست وزارت امور داخله خوانده بودند. بر اساس سهم ۵۰ درصدی سپیدار در کابینه، نامزدوزیران امور داخله از سوی آقای عبدالله در پُستش ابقا شده است.

را فراهم کرده است. برخی از اعضای دسته انتخاباتی ثبات و هم‌گرایی که نمی‌خواهند بنا بر حساسیت‌ها از آنان نام برده شود، می‌گویند که رهبری این دسته انتخاباتی در تقسیم سهم به متحدانش و اجرایی کردن مواد توافق‌نامه موفق نبوده است. یک عضو بلندرتبه این دسته انتخاباتی روز دوشنبه، بیست‌وهشتم میزان به روزنامه ۸صبح گفت، امضای توافق‌نامه سیاسی توانسته است که از پراکنده‌گی‌ها در دولت، به ویژه در روند صلح را جلوگیری کند. این متحد سپیدار باور دارد که اجرایی شدن کامل مواد توافق‌نامه، می‌توانست که بیش‌تر جریان‌ها و شخصیت‌های سیاسی تأثیرگذار را کنار هم گرد آورد و چالش‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی کنونی را رفع کند. به گفته‌ی وی، اجرایی نشدن موبه‌موی مواد توافق‌نامه سیاسی سبب شده است که وضعیت در بیش‌تر بخش‌ها متشنج شود. این متحد آقای عبدالله هشدار می‌دهد که هر چند تلاش حکومت برای محدود کردن صلاحیت دسته انتخاباتی ثبات و هم‌گرایی، به حاشیه راندن این گروه و نادیده گرفتن حق آن تاکنون محسوس نیست، اما این تلاش‌ها در آینده می‌تواند که مشکلات زیادی را شکل دهد، زیرا به گفته‌ی او، بیش‌تر موارد مربوط به توافق‌نامه، از جمله سناریوهای احتمالی در صورت رد شدن نامزدوزیران میان دو طرف مبهم است. وی تأکید می‌کند که از وضعیت کنونی، به ویژه از برخورد محمدشرف غنی و دسته انتخاباتی‌اش با این گروه و کارکرد رهبری شورای عالی مصالحه در راستای اجرایی کردن مواد توافق‌نامه و تقسیم سهم میان اعضای این گروه، راضی نیست. ارگ اما سه ماه پیش تصریح کرده بود که به اجرای مواد توافق‌نامه سیاسی متعهد است. پیش از این، ارگ و سپیدار در عملی کردن مفاد توافق‌نامه حکومت وحدت ملی نیز به ناکامی متهم شده بودند. برخی از آگاهان سیاسی پس از امضای توافق‌نامه سیاسی پیش‌بینی کرده بودند که با توجه به کارکرد عبدالله عبدالله، مواد توافق‌نامه سیاسی

افغانستان، جامعه‌شناسی سیاسی استمرار جنگ و تکرار چند اشتباه تاریخی



♦ دکتر محمد ابراهیم فروزش

چند مورد در افغانستان، تأمل گروه‌های سیاسی را می‌طلبد.

نخست، چرایی ضعف پایه‌های نظری سیاست و حکومت در نزد گروه‌های سیاسی. استمرار این امر موجب شده تا تقلید و پیروی جایگزین توسعه فراگیر و دوام‌دار در افغانستان شود.

دوم، مشارکت سنتی در قدرت. این نقیصه از یک‌طرف فرایندهای دموکراتیک را آسیب زده است و از طرفی تقریباً تمام رژیم‌های سیاسی این کشور را وادار به باج‌دهی موسمی ساخته است.

سوم، استمرار اشتباه در جامعه‌شناسی سیاسی و پیروی از بیرون نسبت به درون. در این رویکرد از یک‌طرف استقلال بوروکراتیک تابع سیاست شده و از طرفی بحث دست‌نشانده‌گی پیوسته فربه شده است.

چهارم، درگیر شدن به تحلیل از سوی نخبه‌گان سیاسی و گریز از واقع‌گرایی در سیاست و حکومت. محصول این کنش، توهم و خودشیفته‌گی را افزایش داده و مانع سیاست‌گذاری کوچک و بزرگ در درون و محیط بین‌المللی شده است.

اول، ضعف پایه‌های نظری: تقریباً اکثریت کسانی که در پست‌های ارشد دولتی در رژیم‌های مختلف اعم از محافظه‌کار سنتی، مشروطه، نظام خانواده‌گی، جمهوری‌تک‌حزبی، رژیم‌های چپ و راست و نظام موجود (لیبرال دموکراسی) وظیفه داشتند و یا دارند، با ضعف پایه‌های نظری مواجه بوده‌اند. این معضل نه تنها در درون رژیم‌های فوق، حتی در بین اپوزیسیون بیرون از رژیم‌های سیاسی فوق وجود داشته و دارد. به ارتباط این ادعا، چند مساله موضوعیت پیدا می‌کند:

۱- از یک سده به این طرف تقریباً هیچ اثر مکتوبی به ارتباط چرایی توسعه‌نیافته‌گی افغانستان از سوی هیچ یک از دست‌اندرکاران ارشد رژیم‌های فوق تألیف نشده و صرف به نشر خاطرات‌شان مبادرت ورزیده‌اند. این امر نشان می‌دهد که توسعه در افغانستان محصول درون‌زاد و کنش‌های داخلی نبوده و نیست. بلکه توسعه حداقلی موجود اقتصادی، بیش‌تر در محور لشکرکشی‌های خارجی به شکل شکننده و به هدف جامعه‌پذیری، موسمی عملیاتی شده است.

۲- ادعای گروه‌های سیاسی پیرامون تغییر دوام‌دار نوعیت نظام سیاسی. افغانستان شاید یگانه کشوری باشد که اکثریت نظام‌های سیاسی را در یک سده‌ی اخیر تجربه نموده، اما هنوز به توسعه‌ی فراگیر دست نیافته است. این در حالی است که پیوسته تحلیل‌گران امور سیاسی - اقتصادی و گروه‌های سیاسی - سنتی این کشور، در هر دهه به تغییر نظام و روی دست‌گرفتن نظام سیاسی جدیدی تأکید می‌کنند. در واقع میل به تنوع نظام سیاسی هم‌چون انتخاب چند هم‌سرداری در افغانستان بیش‌تر است و تمایلی به جامعه‌شناسی سیاست و حکومت در این کشور وجود ندارد. طرفه این که وقتی پیرامون ادعای گروه‌های سیاسی درباره نوعیت نظام سیاسی مورد ادعای‌شان با آن‌ها بحث

می‌شود، تقریباً هیچ اجندایی برای عملیاتی‌شدن آن ندارند. صرف اکتفا به مثال آوردن یک یا چند کشوری می‌کنند که نظام سیاسی - اقتصادی آن‌ها برای آن ملت - دولت‌ها طراحی شده و بازدهی مطلوب و مناسبی داشته است. به بیانی، بحث مطلوبیت و توانایی نسبی و طبیعی که برای مردم هر کشور به عنوان نقشه راه مهم است، در دستور کار گروه‌های سیاسی افغانستان وجود نداشته و تا اکنون هم ندارد.

۳- سوم، ترس از علم، ترس از تغییر، ترس از جامعه‌شناسی و فربه ساختن وابسته‌گی. یکی از بحث‌ها نیز کارکرد نظام متمرکز و نظام غیر متمرکز در افغانستان است. تقریباً از یک سده به این طرف تمام رژیم‌های سیاسی در این کشور به شیوه متمرکز رهبری شده است. در واقع این شیوه حکومت‌داری نه تنها تبعات ناگواری فراروی توسعه گذاشته است که توانسته مانع تحول مناسب و مطلوب اقتصادی نیز شود. در یک سده‌ی اخیر، حتا عقب‌مانده‌ترین کشورها گام‌هایی برای تمرکززدایی برداشتند و به درجه‌ای از توسعه اقتصادی نیز دست یافتند. این بدان معنا است که چندگانه‌گی فرهنگی امری علمی است و حتا توسعه در بخشی از کشور می‌تواند مشوقی برای خرده‌فرهنگ‌هایی باشد که میلی به گذار از سنت به مدرنیسم ندارند. به عبارت اگر بخشی از جامعه میل به دست یافتن به توسعه دارند، باید به این بخش از جامعه اجازه داده شود که مسیر پویایی را بیمایند. تا بالاتر آن فرارگرد رشد، نوسازی و رفاه برای سایر خرده‌فرهنگ‌ها که در برابر تغییر سنتی مقاومت می‌کنند، نیز هموار شود. زیرا انسان‌ها، موجوداتی تقلیدپذیر اند و هر امری که برای‌شان رفاهیت به بار آورد، به تدریج می‌پذیرند. اما در برابر این خواست اجتماعی و علمی، رویکرد بازدارنده‌گی با اتهام وابسته‌گی به کشورهای دور و نزدیک پیوسته فربه می‌شود. چنان‌که وقتی از دانشجویان خواسته می‌شود تا تحقیقات‌شان را پیرامون توسعه و تمرکززدایی به پیش ببرند، از این امر به دلیل اتهام وابسته‌گی اجتناب می‌ورزند.

دوم، استمرار مشارکت سنتی در قدرت: در یک سده‌ی اخیر، همه‌ی رژیم‌های سیاسی افغانستان تلاش کرده‌اند مشارک سنتی را از طریق تعامل با سران قومی و مذهبی در دستور کارشان قرار دهند. این فرارگرد در واقع از یک‌طرف اصل تخصص و روندهای دموکراتیک را هدف قرار داده و سیاست‌گذاری‌های مؤثر را آسیب‌زده، و از طرفی عرف باج‌دهی حکومت به سران قومی و مذهبی را فربه کرده است. مثال‌های واضح آن استخدام هزاران مشاور فاقد تخصص توسط رییس جمهور کرزی و رییس جمهور غنی و معاونین آن، رییس اجرایی و معاونانش، مشاوران متعدد وزیران و والی‌ها از سال ۲۰۰۲ به این طرف است.

سوم، استمرار اشتباه در جامعه‌شناسی: در این محور چهار مورد درخور تأمل است:

۱- متاثر شدن نظام بوروکراتیک از سیاست.

پیچیده‌ترین کارکرد هر نظام سیاسی در نظام بوروکراتیک آن دیده می‌شود. در نظام متمرکز افغانستان، استخدام نیروی انسانی در امور بوروکراتیک از یک‌طرف مانع توسعه محلی شده است و از طرفی تطبیق پروژه‌ها به شکل دیر هنگام و با فساد مالی فراوان عملیاتی می‌شود. در حال حاضر والی‌ها صلاحیت استخدام بست‌های ششم به بالا را دارند. این نیروی انسانی هیچ‌گونه نقشی در بودجه‌سازی و سیاست‌گذاری‌های محلی را ندارند. ضمن آن‌که بودجه شاروالی‌ها که از محل جمع‌آوری شود و می‌تواند زیر نظر شورای شهر و یا شورای ولایتی هزینه شود، وابسته به تأیید مرکز است؛ هم‌چنانی که استخدام بست‌های مافوق، اول و تا پنجم به صلاحیت مرکز و در محور واسطه و فساد مالی صورت می‌گیرد. همه‌ی این موارد نشان می‌دهد که توسعه اقتصادی با این رویکرد نه تنها امکان‌پذیر نیست که حکومت مرکزی بر اشتباه جامعه‌شناسی تاریخی دهه‌های پیشین پای می‌فشارد.

۲- تداوم سیاست‌های متمرکز به این ادعا قوت بخشیده است که حکومت به خواست‌های اجتماعی ارزشی قایل نیست، به مردم وطن دوست اعتمادی ندارد و صرفاً توسعه را در محور خواست‌های بیرونی از بیرون به درون عملیاتی می‌کند. این موضوع در واقع ادعای اندیشمندان نظریه وابسته‌گی هم‌چون «والر اشتاین، فرانک، سمیر امین و دیگران» را قوت می‌بخشد که در کشورهای عقب‌مانده ملت - دولت شکل نگرفته، و حکام، مردم را در این کشورهای اسمی، در خدمت کشورهای مرکز قرار می‌دهند.

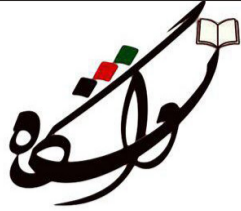
۳- متأثر شدن نظام بوروکراتیک از سیاست، نه تنها مانع مشارکت نیروی انسانی متخصص در امور بوروکراتیک شده و می‌شود که توانسته مانعی فراروی حکومت‌داری الکترونیک و شفاف نبودن روند جمع‌آوری مالیات شود.

۴- تغییر هر نوع نظام سیاسی، وابسته به تغییر نگرش‌ها در جامعه نیز دارد. بی‌تردید، تغییر نظام سیاسی بدون استلزامات آن در تغییر اجتماعی، دامنه‌ی اتهام تعصب و تقسیم شهروندان به برتر و کپتر را متوجه سیاست‌گذاران حکومت مرکزی می‌سازد. به بیانی، ضعف مشارکت در رژیم‌های پیشین و غیر دموکراتیک به ایجاد نظام لیبرال دموکراسی موجود انجامید. در این نظام هر شهروند خواهان حق خود در سیاست و حکومت است. بی‌توجهی به این حق و خواست، نه تنها فاصله بین شهروندان و حکومت را افزایش می‌دهد که به بحران مشروعیت و ناکارگری سیستمی نیز می‌انجامد. در واقع ساختار نظام موجود سیاسی فعلی افغانستان، لیبرال دموکراسی است، اما کارکرد کارگزار مرکزی در نظام بوروکراتیک سنتی باقی مانده است.

چهارم، درگیر شدن به تحلیل و گریز از واقع‌گرایی در سیاست و حکومت: ضرب‌المثلی معروف است: «نخبه‌گان حکومت‌ها گوش‌های بزرگ و شهروندان زبان‌های دراز دارند.» این در واقع متوجه

رژیم‌هایی است که با ظاهر لیبرال دموکراسی، و با کارکرد سنتی اعلام موجودیت می‌کنند. در غیر آن از ویژه‌گی‌های مهم حکومت‌های دموکراتیک، رعایت اصل پاسخ‌گویی است. چنان‌که از سال ۲۰۰۲ به این طرف تقریباً همه‌ی شهروندان کارکرد نظام موجود را در عرصه‌های مختلف پیوسته نقد می‌کنند. این نقدها نه تنها به اصلاحات دموکراتیک و توسعه‌ی مطلوب کشور نانجامیده که توانسته اصل پاسخ‌گویی مناسب را نیز لطمه بزند. به طوری که اکثریت را تحلیل‌گر و منتقد بدون تخصص و خودشیفته ساخته و واقع‌گرایی در سیاست و حکومت را به نفع مناسبات سنتی تقلیل داده است. به بیانی، آنانی که اهل تخصص هستند، وقتی با موانع نظام متمرکز همراه با کارکرد سنتی روبه‌رو می‌شوند، از انجام خدمت به مردم و کشور حذف می‌شوند. این افراد در نهایت به تحلیل روی می‌آوردند و از دانش‌شان نمی‌توانند در سیاست‌گذاری‌های محلی و مرکزی استفاده کنند. در واقع می‌توان ادعا کرد که: حکومت متمرکز در افغانستان دانسته و یا ندانسته، موفق به حذف فرزندان خود در سیاست و حکومت شده است.

طرفه این‌که همین رویکرد در محیط بین‌الملل تأثیرات ناگواری نیز داشته است. به عنوان مثال می‌توان به سیاست خارجی افغانستان انگشت گذاشت که همیشه فاقد پویایی بوده است. این ادعا را می‌توان در دو محور توضیح داد: نخست، فقدان طرح خطوط کلی سیاست خارجی در پیوند به مصوبات شورای ملی است. این امر موجب شده که رییس‌جمهوران در افغانستان همیشه سیاست خارجی را به میل خودشان مدیریت کنند و نماینده‌گان شورای ملی کم‌ترین نقش را در این عرصه نداشته باشند. دوم، فقدان اصل تخصص در سیاست خارجی تا جایی پیش رفته است که ادعای ارضی افغانستان پیرامون خط دیورند در محاکم بین‌الملل هرگز در دستور کار قرار نگرفته است. در مقابل موسمی با طرح آن به گسترش جنگ دامن زده شده و به قربانی شدن فرزندان وطن انجامیده است. بنا بر این، در همین مورد پرسش‌های تاریخی ذیل طرح می‌شود: آیا مردم افغانستان حق ندارند واقعیت خط دیورند را بدانند؟ آیا این بی‌خبری از واقعیت خط دیورند، تداوم فاصله بین مردم و حکومت نیست؟ چرا به جای ادعای موسمی خط دیورند به محاکم بین‌المللی به شیوه‌ی مسالمت‌آمیز مراجعه نمی‌شود؟ هم‌چنانی که پرسش‌های متعدد و تاریخی پیرامون کارکرد نامناسب حکومت متمرکز در روند توسعه نامطلوب وجود دارد و هرگز پاسخی به مردم داده نشده است. در واقع آن‌چه امروز به استمرار جنگ و ضعف توسعه انجامیده است، بی‌توجهی به خواست‌های اجتماعی است. این بی‌مبالاتی پیوسته در ذیل غیریت‌سازی‌های موسمی، اما گوشت در برابر تکنولوژی مدرن نظامی و رویاهای دونکی‌شوت از جیب و خون مردم هزینه شده و می‌شود.



انتشارات دانشگاه

هر نوع کتاب در بخش های مختلف از انتشارات دانشگاه با قیمت های مناسب تهیه کنید.

شماره های تماس: ۰۷۸۸۵۷۷۵۱۸۲ / ۰۷۹۶۷۴۷۲۴۲
آدرس: پل سرخ، مارکیت ملی، منزل هم کف، دکان شماره ۱۸
danishgah.pub@gmail.com



جهت سفارش آگهی تان با شماره های روبه رو در تماس شوید:

+ (93) 700 175 510 / + (93) 788 788 799

روزنامه ۸ صبح برای توسعه کسب و کارتان صفحه ویژه تبلیغات ایجاد کرد. روزنامه ۸ صبح به هدف کمک و حمایت از توسعه مشاغل و تجارت، تبلیغات شما را با هزینه کم تر و کیفیت بهتر نشر می کند. این روزنامه یک صفحه ویژه تبلیغاتی را به همین منظور راه اندازی کرده است. در این صفحه ویژه به تناسب استطاعت شما فضا وجود دارد. ما با داشتن تیراژ بلند در نسخه چاپی و مخاطبان حداکثری در پایگاه های مجازی مان آماده همکاری با مشاغل و کسب و کارهای مختلف هستیم تا تبلیغات شما را با مخاطبان خود به اشتراک بگذاریم.

System Fire Alarm, Nurse Call, (CCTV) (IT)

Tech Services
Go up with us

NOTIFIER
by Honeywell

apollo

0794903010 Email: Techservice27@gmail.com

مؤسسه نشر واژه
پیشرو در امور چاپ، نشر و پخش کتاب



دفتر مرکزی و فروشگاه: ۱: کابل، کارته ۳، چهارراه پل سرخ، مارکت تجاری ملی، منزل پایین، نشر واژه
فروشگاه: ۲: کابل، پل سوخته، چوک شهید مزاری، مارکت محمدی، نشر واژه
چاپخانه: کابل، شهرک امید سبز، فاز اول، چاپ واژه، پلاک ۲۲
۰۷۸۱۵۷۴۲۳۰ - ۰۷۸۰۷۴۷۳۴۷

Vazha.Publication NashreVazha VazhaPub

تکسا دیکوریشن

ما به زیبایی توأم با استندرد ها و اقتصادی بودن می اندیشیم!

خدمات ما: طراحی، دیزاین و اجرای پروژه های

- ◀ خانه های مسکونی
- ◀ دفاتر
- ◀ رستوران و کافی شاپ ها
- ◀ سالون های عروسی
- ◀ فروشگاه ها

کارته چهار، جوار پارک آبی کابل، تعمیر افغان تاور، منزل اول، دفتر نمبر ۲۲

0779222229 Taksa Decoration



گروه طراحی، اجراء و مشاوره ساختمانی ایوان دیکور با ایده های نو و با سرمایه اصلی خود یعنی جمعی از طراحان و متخصصین اجرایی ورزیده و مسلکی فعالیت می نماید. هدف ما طراحی و پیاده سازی پروژه های مشتریان به حرفه ای ترین روش ممکن و البته اقتصادی ترین حالت می باشد. کار ما چیست؟

- مشاوره و ایده پردازی
- طراحی و ارائه طرح های سه بعدی و دو بعدی
- تخریب و بازسازی
- استفاده از بهترین لوازم مصرفی
- اجرا و نظارت بر اجرای پروژه ها
- اجرای پروژه ها از صفر تا صد



شرکت ایوان دیکور:
آدرس: سرک سیلو، روبروی سیلوی مرکزی، مارکیت کابل سیتی دفتر نمبر ۲۳ و ۲۴
شماره های تماس: ۰۷۷۶۲۴۹۳۸۲ / ۰۷۹۴۹۶۲۵۵۷

معتبر و باکیفیت

هاردسک اکسترنال

انتی ویروس (خانگی + تحت سرور)

بامیکا

Follow us on

@BamikaSoft & @BamikaHard

ما را دنبال کنید



۳ سال ورتی تبدیلی

ADATA

Silicon Power

ESET

Kaspersky



به یاد دُر محمد کشمی؛ احیاگر مقام نی ریز

◆ فرزند فرزند



نی ریز یکی از گوشه‌های موسیقی مقامی بدخشان است که ریشه در موسیقی کهن این سرزمین دارد. نی ریز در مقام راست اجرا می‌شود که برابر به گام ماژور است. دُر محمد کشمی در تمامی اجراهایش از سازهای اصیل و سچ‌های موسیقی بدخشانی حوزه‌ی تخار استفاده کرده که شامل دمبوره، گیجک، زیر بغلی، چنگ، دوتار ترکمنی و اوزبیک، زنگ، سنگتور، دف و قیراق می‌باشد. و خوش‌بختانه اکثر این سازها هنوز هم در موسیقی بدخشانی حوزه‌ی تخار کاربرد وسیعی دارد. آثاری کلامی که از دُر محمد کشمی بر جا مانده نیز کلام سچ‌ها داشته که با گویش منحصر به مردم آن حوزه خوانده شده است. غزلیات، رباعیات، و فی‌الباده‌های فارسی که همه مایه‌های عاشقانه‌ای بومی دارد و او به خوبی آن‌ها را اجرا کرده که اکثراً در محافل خوشی میان مردم آن حوزه بازخوانی می‌شود. سرانجام این خنیاگر موسیقی بدخشانی از حوزه‌ی تخار در عالمی از نامهربانی به هنر درگذشت و به جاویدان پیوست.

علاقه‌مندی در این سبک هر روز بیش‌تر می‌شد، همان بود که خواننده‌های زیادی در این سبک به میدان آمدند و آثارشان تا به امروز نمادی از همدلی و مهربانی بوده و می‌تواند مردمان زیادی را از فرهنگ‌های مختلف زیر یک چتر فرا بخواند. استاد وحید قاسمی در کتاب «زیر و بم» که موسیقی اصیل بدخشان، هرات و بادغیس را به پژوهش و بررسی گرفته است، نمونه‌های برجسته در این سبک را «نغمه‌های لاره یا لاریه، نی ریز، مقام یا راگ فرخاری، انواع فلک‌های آبشاری، خاوری، پیچاپیچ، تلقین، سنگردی، قرصک، ساز قیصار، نغمه‌های منسوب به بابیه قران، قطعات آق پشک، آدم‌خانی، قدوس بایی، لرخواهی، سُر مه‌ای، تایله، گوراوغلی‌خوانی» و نمونه‌هایی از این قبیل می‌داند. دُر محمد کشمی یکی از آن خواننده‌گان موسیقی بدخشانی بود که پس از سال‌ها فراموشی، مقام نی ریز را یکبار دیگر خواند و خیلی زود این مقام که برخی از موسیقی‌دان‌ها آن را «ترانه‌ی نی ریز» می‌دانند، با نام و نشان او، سر زبان‌ها افتاد.

که در سال ۱۳۱۳ هجری خورشیدی در ولسوالی کشم ولایت بدخشان به دنیا آمد و از این‌که خانواده‌اش همه آوازخوانان محلی بودند و همواره نواها و آواهای موسیقی بدخشانی فضای خانه را پر کرده بود، او نیز با این هنر سچ‌ها آشنا شد. در آغازین روزهای آشنایی با این هنر، نزد کاکایش وزیرگل که یکی از خواننده‌های محلی بدخشان بود، نشست و اساسات موسیقی محلی بدخشان را آموخت و بعدها پا فراتر از خانه گذاشت و نزد فیض محمد منگل رفت تا حرفه‌ای‌تر وارد دنیای موسیقی شود. او تا سال ۱۳۳۱ به یادگیری موسیقی بدخشانی پرداخت و اندک، اندک نام و نشانی از او در روستاها پیچید و توانست صدایش را تا گوش مردم روستایش برساند. او در کل موسیقی فرخاری را که بخشی از موسیقی بدخشان بزرگ بود، آموخت و نامش در رده‌های خواننده‌های محلی بدخشان به ثبت رسید. موسیقی تخاری از بدخشان تا تخار از سمنگان تا فاریاب و نواحی همجوار آن ترویج شده بود و

موسیقی بدخشان دامن گستر و فراگیر است و رنگ و رُخ ویژه‌ای دارد. آغاز دهه‌ی ۵۰ هجری خورشیدی یکی از آغازین دهه‌های درخشان در موسیقی محلی کشور بود که دسته، دسته از هنرمندان بومی در کابل می‌آمدند و آهنگ‌هایشان را ضبط می‌کردند و در آغاز از طریق رادیو و بعدها از طریق تلویزیون، آهنگ‌هایشان به گوش مخاطبان‌شان می‌رسید و عام می‌شد و سال‌ها سر زبان‌ها بود. ضبط و نشر آن آهنگ‌ها، موسیقی هنرمندان آماتور را که در فورم موسیقی پاپ، آهنگ‌هایشان را اجرا می‌کردند، غنی‌تر می‌ساخت و آهنگ‌های زیادی وجود دارد که بار بار توسط خواننده‌های پاپ با سازهای جدید و طرزهای جدید بازخوانی شده است. بازگل بدخشی، فیض محمد، نیاز محمد، محمد رحیم بدخشی، محمداکرم بدخشی و دُر محمد کشمی، از آن جمله خواننده‌هایی بودند که در دهه‌ی ۵۰ هجری خورشیدی جهت ضبط آهنگ‌هایشان به رادیو تلویزیون افغانستان به کابل آمدند.

از آنجایی که بدخشان جغرافیایی کلانی دارد و فرهنگ‌های رایج در آن نیز گوناگون است و این چند رنگی فرهنگی ولایت‌های هم‌جوارش را نیز تحت تاثیر قرار داده است و یکی از آن فرهنگ‌های اثرگذار موسیقی بدخشانی است که شامل دو حوزه هنری می‌شود، یکی موسیقی پامیری و دیگر آن موسیقی تخاری، موسیقی پامیری ریشه در موسیقی دوازده مقام دارد که شامل موسیقی نیایشی، موسیقی دف‌بزم و فلک‌خوانی می‌شود که در دو بدخشان افغانستان و تاجیکستان رایج است. و فلک‌خوانی را یکی از پرطرفدارترین سبک‌های موسیقی پامیری می‌دانند. سعدالله نعیم‌اف یکی از موسیقی‌دانان تاجیکستان فلک‌خوانی را به دو نوع می‌داند یکی فلک‌خوانی دشتی و دیگری هم فلک‌خوانی راغی، او می‌گوید: «فلک‌خوانی دشتی بدون استفاده از آلات موسیقی و بیش‌تر در صحرا و بیابان اجرا می‌شود و فریاد، عنصر اصلی این سبک موسیقی است. آوازخوانان در فلک راغی که کم‌تر در تاجیکستان رایج است و بیش‌تر در افغانستان آن را دوست دارند و اجرا می‌کنند، از نی استفاده می‌شود. فلک‌خوانی نه‌تنها در تاجیکستان که در افغانستان و بخشی از خراسان ایران نیز اجرا می‌شود.»

دُر محمد کشمی از خواننده‌های حوزه‌ی تخار بود



Our Best Services

- ✔ Website Design & Development
- ✔ Web Hosting & Domain Registration
- ✔ Database Design & Development
- ✔ Mobile Applications Development
- ✔ Network Design & Implementation
- ✔ CCTV Installation
- ✔ Website Maintenance
- ✔ Social Media Marketing
- ✔ Graphic design
- ✔ SEO (Search Engine Optimization)

+93777690909 info@bartartech.com

+93787935900 www.bartartech.com Kote Sangi, Golaye dawakhana, Kabul Afghanistan



گرمایش زمین، یخچال‌های طبیعی کوه بابا در بامیان را متاثر کرده است

تغییر اقلیم که در قرن بیست و یکم زنده‌گی بشر و ایکوسیستم را متاثر ساخته است، در کشور ما نیز دسترسی به منابع طبیعی، صحت، معیشت انسان‌ها، درجه‌ی حرارت و هم‌چنان



الیاس طاهری

ثبات ایکوسیستم‌ها را متاثر می‌سازد.

مقام‌های اداره‌ی محیط زیست در ولایت بامیان، با ابراز نگرانی از پی‌آمدها و خطرات ناشی از تغییرات اقلیم می‌گویند که در سال‌های اخیر، یخچال‌های طبیعی کوه بابا در این ولایت، به دلیل گرمایش زمین، ذوب شده است.

محمدابراهیم دادفر، رییس اداره محیط زیست بامیان، این موضوع را روز دوشنبه، بیست و هشتم میزان، در برنامه‌ای که به مناسبت تجلیل از «هفته‌ی جهانی تغییرات اقلیم» در این ولایت برگزار شده بود، بیان کرد.

آقای دادفر گفت که براساس چشم‌دید کارمندان اداره‌ی محیط زیست، سال‌های پیش حوض‌های طبیعی کوه بابا پوشیده از یخ و برف بودند؛ اما در یکی-دو سال اخیر، یخ‌های این حوض‌های طبیعی به گونه‌ی کامل «ذوب» شده است.

رییس اداره محیط زیست بامیان می‌گوید که سال گذشته در ولایت پنجشیر نیز یکی از یخچال‌های طبیعی فرو ریخت که برخی مناطق اطرافش را زیر آب فرو برده بود. به گفته‌ی آقای دادفر، این‌ها همه نشانه‌هایی از تغییرات اقلیم می‌باشد که در سال‌های پسین اتفاق افتاده است.

آگاهان امور محیط زیست می‌گویند، عوامل مختلفی سبب تغییرات اقلیم می‌شوند که از دو حالت «طبیعی» و «مصنوعی (انسان‌ساخت)» بیرون نیست.

عوامل طبیعی، شامل آتش‌فشان‌ها، آتش‌سوزی جنگلات، حیوانات، بخارات آب و... می‌شوند، اما پس از صنعتی شدن جهان، استفاده از فلورکاربن‌ها که پیش‌تر در صنایع یخچالی به کار می‌رود، استفاده از موتورها و شخصی و سایر فعالیت‌های بشر که به



محیط زیست بامیان در مرکز این ولایت برگزار شده بود که شماری از فعالان محیط زیست، مقام‌های اداره‌ی محلی و دانشجویان پیرامون تغییرات اقلیم، پی‌آمدها، عوامل و کاهش اثرات آن بر زنده‌گی انسان‌ها و محیط زیست، صحبت و تبادل نظر کردند. به باور آگاهان امور محیط زیست، نهادهای مربوط باید به مردم آگاهی دهند تا آن‌ها خطرات و پی‌آمدهای ناگوار تغییرات اقلیمی را بدانند و همه برای مبارزه با آن تدابیر لازم داشته باشند.

بر بنیاد گزارش‌ها، افغانستان که یک کشور محاط به خشکه است، با گرمایش زمین، یخچال‌هایش آب می‌شود. در صورتی که با اثرات آن مقابله نشود، برای کشاورزی و حتا انسان‌ها، دیگر آبی برای آشامیدن پیدا نخواهد شد. براساس گفته‌های برخی صاحب‌نظران، خطرات تغییر اقلیم، جدی‌تر از خطرات تروریسم است؛ زیرا آثار تغییرات اقلیم دوام‌دار است، در حالی تروریسم ممکن است در هیچ کشوری دایمی نباشد.

در افغانستان، هفت خطر بزرگ هم‌چون خشک‌سالی، سیلاب‌های ناشی از باران‌های شدید و نابه‌هنگام، یخ‌بن‌دان و دوره‌های هوای سرد، سیلاب‌های ناشی از آب شدن برف، توفان، ژاله و سایقه، از پی‌آمدهای تغییرات اقلیمی شناسایی شده است.

براساس برآوردی که در سال‌های پیش صورت گرفته بود، افغانستان سالانه حدود ۶۰۰ میلیون دالر تنها برای مقابله با تغییرات اقلیمی نیاز دارد، اما تاکنون کم‌ترین منابع در این بخش به مصرف رسیده است.

فعالان محیط زیست در کشور، بارها انتقاد کرده‌اند که ضعف اراده‌ی سیاسی دولت و عدم استفاده از فرصت‌ها و امکانات موجود در عرصه‌ی محیط زیست، از عمده‌ترین دلایلی است که با اثرات تغییرات اقلیمی مبارزه درست نمی‌شود.

می‌دهد که در پی تغییرات اقلیمی، ده الی دوازده روز در فصل کشاورزی و برداشت حاصلات در مناطق مرکزی کشور تغییر رونما شده است. به گفته‌ی وی، بارنده‌گی‌ها در فصل بهار کاهش یافته و افزون بر آن، گونه‌های وحشی و پرندگان کم‌پیدا هم از این ناحیه متاثر شده‌اند.

ذوب شدن یخچال‌های طبیعی، کم شدن آب‌های آشامیدنی، گسترش فقر اقتصادی و شیوع بیماری‌ها، تغییر موسم بارنده‌گی، تغییرات غیرعادی درجه حرارت، بارنده‌گی‌های نامنظم، شدت و تکرار سیلاب‌ها و خشک‌سالی‌ها از عمده‌ترین اثرات و پی‌آمدهای گرمایش زمین و تغییرات اقلیمی در مناطق مرکزی کشور شناخته شده‌اند.

تجلیل از هفته‌ی جهانی تغییر اقلیم، از سوی ریاست

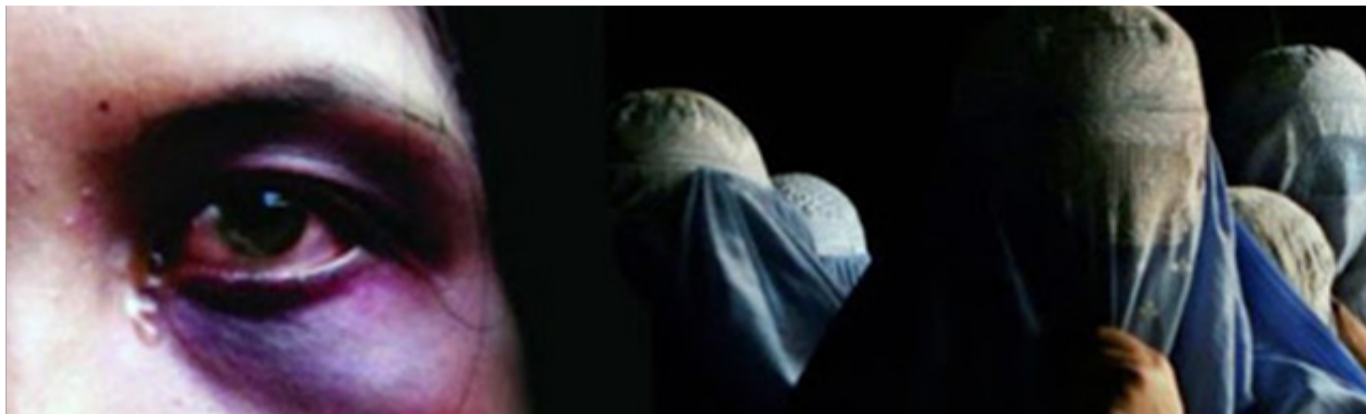
محیط زیست آسیب می‌رسانند، از عوامل انسانی‌ای استند که باعث تغییرات اقلیمی می‌شوند.

رییس اداره محیط زیست بامیان بیان داشت که تغییرات اقلیمی در تمامی بخش‌های کشور تأثیرات منفی بر زنده‌گی مردم و طبیعت خواهد گذاشت، اما به گونه‌های متفاوت. در بخش‌هایی از کشور جاری شدن سیلاب‌های مدهش، در بعضی نقاط زلزله و همین‌طور خشک‌سالی و لغزش کوه‌ها.

آقای علی‌یار، یکی از استادان دانشگاه بامیان، در مورد «تأثیرات تغییر اقلیم در مناطق مرکزی کشور» صحبت کرد. این استاد دانشگاه، تحقیقی در باره‌ی پی‌آمدهای تغییرات اقلیمی انجام داده که به گفته‌ی خودش به زودی منتشر خواهد شد.

بخشی از یافته‌های تحقیق آقای علی‌یار نشان

افزایش خشونت علیه زنان در بادغیس زیر سایه‌ی کرونا



کنش‌گران حقوق زن از افزایش چشم‌گیر خشونت‌ها در برابر زنان در ولایت بادغیس نگران‌اند و دلیل افزایش این موارد را ضعف حاکمیت دولت در برخی از ولسوالی‌ها عنوان می‌کنند. مقام‌های محلی



خلیل روشن

بادغیس هم از افزایش ۵۰ درصدی خشونت علیه زنان در این ولایت می‌گویند و ثبت دوچند قضایای خشونت را نگران‌کننده می‌دانند. به گفته‌ی آنان آمار به ثبت رسیده در نهادهای عدلی و قضایی نشان می‌دهد که قضایای ثبت شده در چند ماه گذشته سال جاری، برابر با تمام قضایای خشونت علیه زنان در سال پار است.

فعالان حقوق زنان در بادغیس، دلیل اصلی بلند رفتن آمار خشونت در برابر زنان را، ویروس کرونا عنوان کرده و تأکید دارند که دوره‌ی قرنطین به دلیل حضور بیشتر افراد خانواده در کنار هم، باعث افزایش تنش میان خانواده‌ها شده است.

مونسه قادری، فعال حقوق زن و عضو شورای ولایتی بادغیس، به روزنامه ۸صبح می‌گوید، ارزیابی‌ها نشان می‌دهد که آمار خشونت علیه زنان در این ولایت دست‌خوش ویروس کرونا شده و در جریان قرنطین خشونت‌های خانواده‌گی افزایش یافته است. به باور او، ویروس کرونا نیز که در سال جاری موجب حضور بیش‌تر اعضای خانواده در کنار هم شد، مشکلات فقر اقتصادی و فرهنگی از عوامل اساسی افزایش خشونت در برابر زنان است.

او تأکید می‌کند که دولت در بحث حمایت از حقوق زنان قاطع است و با عاملان خشونت به شدت برخورد می‌کند و قضایای خشونت علیه زنان را در صدر کارهای نهادهای عدلی و قضایی قرار داده است.

کنش‌گران مدنی در بادغیس از افزایش خشونت در برابر زنان نگران‌اند و عامل آن را، عدم حاکمیت دولت در بسیاری از مناطق این ولایت عنوان می‌کنند. جنیدالله اشکانی، کنش‌گر مدنی در بادغیس، در گفت‌وگو با روزنامه ۸صبح باورمند است

این ریاست حل شده و شماری دیگر برای بررسی به نهادهای عدلی و قضایی سپرده شده است. آمر حقوق ریاست زنان بادغیس می‌افزاید، در سال گذشته ۱۷۶ مورد خشونت علیه زنان در این نهاد به ثبت رسیده است که افزایش در واقعات را نشان می‌دهد. از مجموع چهار قتل زنان جوان بادغیسی تاکنون، هیچ‌کدام از عاملان به دلیل پیوستن به گروه طالبان و یا فرار به ساحه زیر کنترل این گروه، بازداشت نشده است.

به باور فعال حقوق زنان در بادغیس، بررسی قضایا نشان می‌دهد که دلیل افزایش ثبت این خشونت‌ها، آگاهی بیش‌تر زنان از حقوق‌شان پس از ایجاد سازنوالی‌های منع خشونت در ولایات و مراجعه آنان به نهادهای مدافع حقوق زنان بوده است.

در گرماگرم گفت‌وگوهای صلح، یکی از نگرانی‌های اصلی زنان در بادغیس، ایجاد محدودیت پس از حضور طالبان در حکومت است. پرسشی که این روزها فکر زنان را درگیر کرده، این است که آیا پس از توافق طالبان و حکومت، زمینه‌های فعالیت برای آنان هم‌چنان هموار خواهد بود یا با آمدن دوباره‌ی طالبان، زنان در خانه‌ها زندانی می‌شوند.

در بادغیس، در گفت‌وگو با روزنامه ۸صبح می‌گوید که از آغاز سال تا کنون به ۳۵ قضیه خشونت علیه زنان در این اداره رسیده‌گی کرده که بیش‌تر این قضایا لیت‌وکوب زنان بوده است. به گفته‌ی او، بررسی دوسیه‌های خشونت علیه زنان، از اولویت‌های کاری سازنوالی منع خشونت علیه زنان است و تمام قضایای به ثبت رسیده در این نهاد مراحل محاکماتی را پشت سر گذاشته و عاملان آن مجازات شده‌اند.

مسوولان ریاست امور زنان در ولایت بادغیس از افزایش آمار خشونت علیه زنان در این ولایت سخن می‌گویند. لیلی‌ماه نورزاد، آمر عمومی حقوق این ریاست، به روزنامه ۸صبح می‌گوید که در سال جاری رقم ثبت شده خشونت علیه زنان در این اداره افزایش یافته است. به گفته‌ی او، از ابتدای سال تا کنون ۹۵ قضیه خشونت در ریاست امور زنان بادغیس به ثبت رسیده است که چهار قضیه مربوط به قتل زنان و یک قضیه دیگر هم اقدام به خودسوزی بوده است.

بر پایه‌ی اطلاعات ریاست امور زنان این ولایت، از مجموع ۹۵ مورد خشونت ثبت شده در این اداره، برخی از قضایا با گفت‌وگو و میانجی‌گری کارکنان

که حضور پررنگ طالبان در بسیاری از مناطق و ولسوالی‌ها سبب افزایش قتل‌های ناموسی در این ولایت شده است. او می‌گوید که در سال جاری دو مورد از قتل‌های ناموسی در بادغیس رخ داده که عاملان آن برای فرار از چنگ قانون و محاکمه، در ساحات زیر کنترل طالبان هستند.

به گفته‌ی جنیدالله اشکانی، یکی از بانوان مقتول در بادغیس، از افسران امنیت ملی این ولایت بود که نخست با چال و فریب به ساحه زیر کنترل طالبان کشانده شد و سپس به طرز وحشت‌ناکی به قتل رسید و طالبان جسدش را با موتورسایکل کشیده بودند.

او افزون بر این می‌گوید که رویداد دیگری از قتل زنان در بادغیس مربوط به یک زن جوان می‌شود که به دنبال «درخواست طلاق از سوی زن» دادگاه حکم جدایی زن و شوهر را صادر کرد. شوهر سابق آن زن جوان که به گروه طالبان پیوسته بود، او را در راه رفتن به خانه‌اش در مسیر ولسوالی جوند از موتر پایین کرده و پیش‌روی دخترش به قتل رسانده است که تا کنون از چنگ قانون و محاکم فراری می‌باشد.

انجیلا حمیدی، سازنوال منع خشونت علیه زنان



محمد حسین نیکخواه

تاج محمد و عبدالهادی، مانند روزهای دیگر برای اشتراک در برنامه‌ی آموزشی برای ناشنویان، خانه را به مقصد آمریت شهدا و معلولین غور ترک کردند، اما نمی‌دانستند که آن روز با روزهای عادی تفاوت دارد و آنان مورد حمله

هراس‌افکنانه قرار می‌گیرند.

در کنار این دو برادر ناشنوا، ۲۰ دانش‌آموز ناشنوی دیگر همراه آموزگارشان، در صف حضور داشتند. ناشنویان حاضر در صف، صدای انفجار نیرومندی را که بخشی از شهر را تخریب کرد، نشنیدند، اما با فروریختن آوار و سنگ‌چوب اتاق روی سرشان، دانستند که آماج حمله قرار گرفته‌اند.

در این رویداد مرگ‌بار، ۱۷ دانش‌آموز ناشنوا به شمول تاج محمد و عبدالهادی زخمی شدند. افرادی که با اراده‌ی قوی، در صف آموزش ویژه ناشنویان حاضر شده بودند و با وجود محدودیت و مشکلات فراوان، می‌خواستند برای خود آینده‌ی بهتر رقم بزنند.

چاشت روز یکشنبه، ملادین، پدر تاج محمد و عبدالهادی، در خانه منتظر بازگشت فرزندانش بود، اما با شنیدن صدای انفجار از خانه بیرون شد و دود غلیظ و گردوغباری که پس از آن در آسمان شهر پدیدار شده بود را دید.

این پیرمرد، با جسم نحیف و کم‌توانش به سمت محل انفجار حرکت کرد. در مسیر راه با پرس‌وجو از مردم، متوجه شد که انفجار در نزدیکی آمریت شهدا و معلولین غور صورت گرفته است؛ جایی که دو فرزندش در صف درسی حضور داشتند.

با فهمیدن این مساله، دست و پایش سست می‌شود و توان حرکت را از دست می‌دهد، اما باید برای پیدا کردن نشانی از پسرانش، خود را به آمریت شهدا و معلولین غور برساند. چند دقیقه‌ای از انفجار گذشته



بود و پولیس خیابان‌های منتهی به محل انفجار را بسته بود تا به وضعیت سروسامان بدهد.

مانند این مرد، صدها نفر دیگر هم برای رسیده‌گی به وابسته‌گان‌شان، به محل رویداد هجوم آورده بودند و نیروهای امنیتی، با وجود استفاده از خشونت و درگیری با مردم، حریف آنان نشدند و اقارب قربانیان با گذشتن از سد نیروهای امنیتی، موفق شدند خود را به محل اصلی انفجار برسانند.

ملادین با دنیایی از استرس و نگرانی، در میان ده‌ها زخمی، جسد‌های تکه‌وپاره‌ی قربانیان و خرابه‌های ساختمان‌هایی که از شدت انفجار تخریب شده بود، دنبال تاج محمد و عبدالهادی می‌گشت. پس از چند دقیقه جست‌وجو، سرانجام موفق شد پسرانش را پیدا کند.

در کنار ده‌ها زخمی، تاج محمد و عبدالهادی هم به شفاخانه‌ی ولایتی غور انتقال یافتند؛ جایی که به دلیل وجود شمار زیاد قربانیان انفجار وحشت‌ناک شهر فیروزکوه، در بخش عاجل بستر کافی برای درمان زخمی‌ها نبود و قربانیان انفجار، در اتاق‌ها و داخل راهروهای شفاخانه روی هم افتاده بودند.

پیر مردی که دو پسر ناشنوایش در انفجار غور زخمی شدند

منفجر شده که شمار زیادی از افراد دارای معلولیت و بازمانده‌گان شهدا، برای طی مراحل اسناد خود به آمریت شهدا و معلولین ولایت غور حضور یافته بوده‌اند. در این انفجار، بخش‌هایی از آمریت شهدا و معلولین ولایت غور، مانند چند نهاد دولتی دیگر تخریب شده و امکانات اداری، دستگاه‌های «بايومتریک/انگشت‌نگاری» و اسناد و مدارک ثبت معلولان و بازمانده‌گان شهدا از بین رفته است.

دفتر ولایتی کمیسیون مستقل حقوق بشر در هرات، با نکوهش آماج قرار دادن افراد غیرنظامی و معلولان در انفجار ولایت غور، از طرف‌های درگیر جنگ می‌خواهد که قوانین بشردوستانه بین‌المللی را رعایت کرده و به غیرنظامیان آسیب نرسانند.

از دید این نهاد، حکومت و افراد جامعه مکلف‌اند برای افراد دارای معلولیت سهولت‌های لازم را فراهم کنند، اما آماج قرار گرفتن آنان در رویدادهای هراس‌افکنانه، نگران‌کننده است و هیچ توجیهی برای این عمل وجود ندارد.

از پدر تاج محمد و عبدالهادی پرسیدم که پس از انفجار خونین شهر فیروزکوه، نظرش در مورد پایان جنگ و برقراری صلح چیست؟ پاسخ این بود که تا زمانی که حکومت «عدالت» را تأمین نکند، صلح هم نخواهد آمد و مردم در آتش خشونت‌ها می‌سوزند و قربانی می‌شوند. به نظر می‌رسد آتش و دود برخاسته از انفجار نیرومند شهر فیروزکوه که در آن ۱۶ نفر کشته و بیش‌تر از ۱۵۰ تن دیگر زخمی شدند، فضای گفت‌وگوهای صلح میان حکومت و طالبان را تیره کرده و امیدها برای پایان جنگ را کاهش داده است.

فرمانده پیشین طالبان،

چهره‌ی جدید نیروی امنیتی افغان

رحمت‌الله اندر، فرمانده پیشین طالبان، یک زمان در برابر دولت می‌جنگید، ولی بعدها بر ضد طالبان دست به قیام زد. او اکنون سخنگوی ارشد اداره مهم امنیتی یا شورای امنیت ملی است و داستانش از پیچیده‌گی جنگ طولانی و پهلوهای تازه‌ی آن حکایت می‌کند.

کابل □ رحمت‌الله اندر زمانی از فرماندهان خطرناک طالبان ضد امریکایی و ضد دولتی در شرق افغانستان به شمار می‌رفت.

وی در سال ۲۰۰۷ در نتیجه‌ی عملیات شبانه‌ی نیروهای ویژه امریکایی در خانه‌ی پدری‌اش در ولایت غزنی بازداشت و سپس برای مدت دو سال در زندان پایگاه هوایی بگرام در خارج از کابل زندانی شد.

امروز، فرمانده اندر، سخنگوی اندر است - سخنگوی رسمی شورای امنیت ملی دولت مورد حمایت امریکا. داستان این‌که چگونه یک فرمانده اسبق طالب به یک مقام عالی‌رتبه امنیتی دولتی مبدل شد، شرح حال از جنگ بی‌پایان افغانستان است: جهت‌ها تغییر می‌کنند، دشمنان متحد می‌شوند، بازی‌گران نقش خود را تغییر می‌دهند، اما جنگ کماکان ادامه دارد.

درگیری ۱۹ ساله افغانستان امروز به همان اندازه مورد بحث قرار دارد که تغییر حمایت آقای اندر که برای چندین سال جنگ‌جویان طالبان را فرمان‌دهی کرد و سپس در سال ۲۰۱۲ از شبه‌نظامیان طالب جدا شده و رهبری یکی از نخستین خیزش‌های مردمی بر ضد این گروه را برعهده گرفت، مورد بحث است.

به گفته‌ی وی، او پدر ۷۵ ساله، برادر، کاکا و دو پسر کاکایش را در انتقام‌جویی طالبان از دست داده است. امروز آقای اندر یک عالم دینی دارای دو مدرک کارشناسی ارشد است و در خدمت دولتی قرار دارد که یک زمان کمر به سرنگونی آن بسته بود. او هم‌چنان در تیررس و هدف هم‌رزمان سابق خود است، زیرا آن‌ها وی را خاین می‌دانند.

آقای اندر ۴۱ ساله در مصاحبه‌ای در داخل کاخ ریاست جمهوری در کابل گفت: «طالبان قصد ترور مرا دارند، خواه در دولت باشم یا نه. آن‌ها هرگز مرا زنده نخواهند گذاشت».

آقای اندر که به زبان‌های پشتو، فارسی و انگلیسی به راحتی صحبت می‌کند، بیش‌تر اوقات زنده‌گی خود را در جبهه‌ی نبرد، فرار، دانشگاه و زندان سپری کرده و یک نجات‌یافته‌ی به تمام معنا است.

وی از مقاومتش در برابر تلاش طالبان برای ربودن وی،

است که هیچ قانونی نمی‌تواند خلاف معتقدات و احکام دین مقدس اسلام باشد.

بسیاری از زنان افغان از بازگشت رژیم طالبان ابراز نگرانی می‌کنند، زیرا آمدن دوباره‌ی آن‌ها دست‌آوردهای پس از سال ۲۰۰۱ را از بین می‌برد.

بسیاری از زنان افغان ابراز نگرانی کرده‌اند که بازگشت طالبان به دولت می‌تواند دست‌آوردهایی را که از زمان سرنگونی ستیزه‌جویان در سال ۲۰۰۱ به دست آورده‌اند، نابود کند. طالبان زنان را مورد ضرب‌وشتم قرار داده و آن‌ها را در خانه‌های‌شان محصور می‌ساختند.

آقای اندر می‌گوید که اعمال ممنوعیت بالای زنان از سوی طالبان ریشه در دین اسلام ندارد، زیرا اسلام دختران و زنان را از رفتن به مدرسه و کسب تحصیل منع نکرده است.

وی گفت، در واقع تعطیلی مدارس در ولسوالی محل تولد او توسط طالبان پس از سپری کردن سه سال در زندان امریکا، باعث جدایی وی از تحریک طالبان شده است.

امان‌الله کامران، معاون شورای ولایتی غزنی، گفت: «طالبان مدارس را بسته و با بازسازی مخالفت می‌کنند، آدم‌ربایی می‌کنند و مهندسان را ترور می‌کنند».

وی گفت که آقای اندر از آموزش زنان و تلاش‌های بازسازی به رهبری ایالات متحده حمایت کرده و اولین خیزش بر ضد طالبان را شکل داد.

آقای کامران گفت که درگیری‌ها در این ولسوالی جان تقریباً ۵۰۰ تن را گرفته و ۵۰۰ تن دیگر را مجروح ساخته است. به گفته‌ی وی، در یک نبرد که چند تن از بسته‌گان آقای اندر کشته شدند، خود وی نیز زخمی شد. اکنون در خانواده‌ی رحمت‌الله به جز خود وی، دیگر هیچ مردی زنده نمانده است.

آقای اندر گفت که وی اکنون از ۲۱ کودک و بیوه سرپرستی می‌کند. وی در پاسخ به این سوال که آیا هنوز هم سلاح کلاشینکوف به همراه دارد، خندیده پاسخ داد که فقط یک قبضه سلاح کمری برای محافظت شخصی دارد.

منبع: نیویارک تایمز

نویسنده‌گان: داوید زوکینو و نجیم رحیم

برگردان: سیدجمال اختر

در ماه‌های اخیر، طالبان یک سری حملات هدف‌مند را علیه مقام‌های دولتی و کسانی که حامی دولت هستند، انجام داده‌اند.

اما آقای اندر تغییر بیعت خود با دولت و طالبان را توضیح داد. وی گفت، زمانی به طالبان پیوست که در سال ۲۰۰۳ وقتی از تحصیلات دینی از پاکستان بازگشت، از سوی دولت برای مدت دو ماه زندانی شد. وی گفت «دولت با اقدام بر ضد من، مرا مجبور به پیوستن با طالبان نمود».

وی افزود که بعد از سال‌ها هنگامی که طالبان شروع به ایجاد وحشت و تعطیلی مدارس محل، خلاف مقررات اسلامی کردند، او بر ضد طالبان ایستاد.

وی گفت: «حتا جنگ نیز در اسلام دارای قوانینی است و طالبان این قوانین مذهبی را زیر پا گذاشتند».

ذبیح‌الله مجاهد، سخنگوی طالبان، می‌گوید که آقای اندر و بسته‌گانش از اهداف مشروع این گروه هستند، زیرا هنگام فرمان‌دهی نیروهای خیزش مردمی با دولت امریکا همکاری داشته‌اند.

آقای اندر گفت پس از آن به کابل فرار کرد که طالبان منزل او و بسته‌گانش را در حالی که در آن چند جلد قرآن کریم وجود داشت، به آتش کشیده و مواشی‌شان را کشتند.

آن‌جا بود که وی دوره کارشناسی ارشد قبلی خود در مطالعات اسلامی را تکمیل کرد و مدرک کارشناسی ارشد دوم را در مدیریت آموزشی به دست آورد. وی قبلاً به عنوان مشاور مذهبی شورای امنیت ملی خدمت می‌کرد.

آقای اندر در موقف فعلی خود با دشمنان قبلی‌اش روبه‌رو می‌شود. زمانی که آقای اندر از سوی دولت زندانی شد، اسدالله خالد، سرپرست وزارت دفاع ملی، والی ولایت غزنی بود.

آقای اندر گفت: «من او را در جلسات می‌بینم. او از من به عنوان دوست یاد می‌کند و ما به هم‌دیگر احترام می‌گذاریم». وظیفه سخنگوی ایجاب می‌کند تا با فرماندهان نظامی امریکایی و افغان متحد باشد.

آقای اندر در پاسخ به این سوال که آیا جنگ‌جویان تحت امرش نیروهای امریکایی و افغان را کشته و یا زخمی کرده‌اند، شانه بالا انداخته گفت: «این جنگ بود و البته که تلفات نیز داشته است».

صورت خون آلود صلح



اسحاق علی احساس

مرور رویدادهای امنیتی نشان می‌دهد که تا این‌جا کار، تلاش‌های آشتی‌جویانه‌ی دولت افغانستان و ایالات متحده امریکا برای استقرار صلح و ثبات در این کشور، نتیجه‌ی ملموس نداشته است. میدان جنگ هم‌چنان داغ است و در هر شبانه‌روز ده‌ها رخداد امنیتی در گوشه‌وکنار این سرزمین ثبت می‌شود. از دو سال به این سو، هم‌گام با آغاز مذاکرات صلح میان ایالات متحده و گروه طالبان و پس از آن مذاکرات بین‌الافغانی، گراف تلفات نیروهای ارتش سیر صعودی داشته است. در کنار نیروهای ارتش، قربانی اصلی و دیگر این جنگ، افراد ملکی و جمعیت غیرنظامی بوده‌اند. آن‌گونه که سال‌ها جنگ، صدها هزار قربانی روی دوش مردم افغانستان گذاشته، در دو سال اخیر نیز هر رخداد امنیتی، بدون استثنا شماری از غیرنظامیان را به خاک‌وخون کشانده و به تأسیسات عامه و ملکیت‌های شخصی آسیب‌های فراوان وارد کرده است.

به بیان روشن‌تر، دو سال و اندی مذاکره، هنوز گره از پیچیده‌گی بازی «جنگ‌و صلح» افغانستان باز نکرده است. جنگ بیش‌تر از هر زمان دیگر حالت فرسایشی یافته و صلح به مرحله‌ی پیچیده‌ای رسیده است. برخلاف امیدواری مردم افغانستان و نهادهای بین‌المللی، طالبان به عنوان یک‌طرف جنگ با وصف آن که روی میز مذاکره نشسته و برای ختم جنگ و مشارکت در قدرت سیاسی این سرزمین با نماینده‌گان دولت افغانستان چانه می‌زنند، جنگ‌جویان‌شان اما بی‌اعتنایی به تمامی قوانین بین‌المللی بشردوستانه، به صورت جنون‌آمیز در میدان جنگ، خون و خشونت به نمایش می‌گذارند. در هر رویداد امنیتی رد پای جنایت طالبان در برابر اسیران جنگی، مجروحان و جمعیت غیرنظامی دیده می‌شود. معنای این سخن این است که جنگ‌جویان گروه طالبان هنوز هم کم‌ترین اعتنا به قانون جنگ نداشته و به مسوولیت‌ها و حقوق طرفین درگیر جنگ، اهمیت نمی‌دهند.

بی‌اعتنایی طالبان به رعایت حقوق بشردوستانه، موضوع قابل انکار نیست. هر رخداد امنیتی به شکل بسیار برهنه، حاوی صحنه‌ها و مواردی است که حداقل نمی‌توان در بستر آن، جنایت جنگی را مشاهده نکرد. حقوق بین‌المللی بشردوستانه، تمامی طرف‌های درگیر جنگ را به رفتار انسانی با اسیران جنگی و حمایت از اشخاص غیرنظامی در دوران جنگ مسوول می‌داند. مضاف بر این، مهم‌ترین

شاخصه‌ی قانون جنگ، محدودیت در استفاده از سلاح‌ها و روش‌های جنگی از سوی طرف‌های درگیر جنگ است. از این منظر، اگر به جنگ جاری نگاه کنیم، ماشین جنگی طالبان هیچ محدودیتی را در استفاده از روش‌های جنگی و به کارگیری سلاح‌ها و روش‌های خلق خون و خشونت بر نمی‌تابد. به همین دلیل است که رخدادهای تروریستی نظیر انفجار موتوربمب‌ها، حمله‌های انتحاری و بمب‌های مقناطیسی، به صورت یک‌دست در مکان‌های عمومی سازمان‌دهی می‌شود؛ انفجارهایی که قربانی اصلی آن افراد ملکی و جمعیت غیرنظامی است.

این در حالی است که در جهان امروز حتا در جنگ، قواعد و محدودیت‌هایی وجود دارد. در کم‌تر منازعه‌ای طرف‌های درگیر جنگ در کشورها و جوامع دیگر، به نقض حقوق جنگ و یا حقوق بشردوستانه‌ی بین‌المللی دست می‌زنند. هراس از متهم‌شدن یک‌طرف یا طرف‌های درگیر جنگ از سوی نهادهای حقوق بشری و جامعه‌ی بین‌المللی به جنایت جنگی، باعث شده است که این طرف‌ها به رعایت حقوق جنگ به عنوان موثرترین ابزار تضمین‌کننده‌ی ایمنی و کرامت انسان‌ها در زمان جنگ تن بدهند و بر جنگ و شیوه‌های جنگی‌شان محدودیت‌های حقوقی و قانونی وضع کنند. بنا بر همین دلایل است که جنگ و جرایم به تروریستی و غیرتروریستی تقسیم می‌شود.

با این اوصاف، جای تعجب است که چرا نهادهای حقوق بشری و جامعه‌ی بین‌المللی به شمول امریکا در برابر شیوه‌های جنگی گروه طالبان که به شکل آشکارا با قوانین بشردوستانه و حقوق جنگ سر ستیز دارد، سکوت کرده‌اند. اگر از یک‌طرف مصلحت بر این است که برای استقرار صلح، روی گذشته‌ی جنگ این سرزمین آب پاشیده شود و بحث عدالت انتقالی نادیده گرفته شود، از جانب دیگر نباید از تساهل و مدارای شهروندان این سرزمین، سوء برداشت صورت گیرد. مردم افغانستان در دو سال اخیر، هم‌زمان با مذاکره برای صلح، جنازه بر دوش کشیده و روزهای طاقت‌فرسایی را به شب رسانده‌اند. در این مدت، صورت صلح برای مردم این سرزمین، خون‌آلود بوده است. واقعیت این است که نباید با مدارا به خون‌ریزی و خشونت پاسخ داده شود.

رخدادهای تروریستی چون انفجار موتوربمب در مرکز ولایت غور، پیام‌های هشدارآمیز از حال و آینده‌ی پروسه‌ی صلح به مردم افغانستان دارد. ماهیت این پیام هر چه باشد، خوش‌بینی نسبت به استقرار صلح عادلانه و سراسری در سرزمینی به نام افغانستان در آن محدود است. این چیزی نیست که افغان‌ها از گفت‌وگوها و تلاش‌های آشتی‌جویانه انتظار آن را داشتند و دارند.

جنگ در لشکرگاه؛ طالبان چه می‌خواهند؟

رهبیب علی‌آبادی

بدهند؛ جهان حکومت موزی آنان را به رسمیت خواهد شناخت و آن‌گاه چانس حضور طالبان جنگ‌جو، در سطح رهبری حکومت افغانستان، میسر خواهد گردید. غافل از این‌که در دوره تسلط طالبان بر ۲۸ ولایت افغانستان، طی سال‌های ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۰ خورشیدی، جز سه کشور، سایر کشورهای جهان، از به رسمیت شناختن امارت آنان امتناع ورزیدند و برعکس، از مردم افغانستان حمایت کردند.

اکنون که افغانستان دارای حکومت قانونی و نظام سیاسی مدرن مبتنی بر اراده مردم و مورد تأیید جامعه جهانی است، هیچ عقل سلیمی نمی‌تواند بپذیرد که مردم افغانستان و جهان، تن به عقب‌گرد داده و اجازه دهند که بار دیگر افغانستان، به مرکز تهدید امنیت جهان، بدل شود.

پس، افزایش خشونت و حملات خون‌بار طالبان بر مردم افغانستان، جز این‌که بر نفرت مردم علیه طالبان بیفزاید و انزوای اجتماعی آنان را در پی داشته باشد، حاصل دیگری برای این گروه ندارد.

امروز همه‌ی مردم افغانستان شاهد اند که طالب‌ها، با قوت‌های خارجی در صلح به سر می‌برند و تنها مردم مسلمان افغانستان را هدف کشتار عام قرار داده‌اند.

بنا بر این، هر روزی که می‌گذرد، اسلامیت آنان زیر سوال می‌رود. سوالی که سرسخت‌ترین هوادار طالبان، توان پاسخگویی به آن را ندارد و سیاست اخیر آنان را که عبارت از: صلح با خارجی‌ها و جنگ با مسلمانان افغانستان است، نمی‌تواند توجیه کند. گر چند در موضع امریکا راجع به افزایش خشونت از سوی گروه طالبان، اندکی ابهام به نظر می‌رسد، اما موضع کشورهای همسایه و متحدان غربی امریکا به ویژه (ناتو)، در حمایت از دولت جمهوری اسلامی افغانستان، از صراحت و قاطعیت لازم برخوردار است.

از آن‌چه تذکر داده شد چنین نتیجه به دست می‌آید که گروه طالبان در این روزها، آخرین قدرت و توانش را به مصرف می‌رساند که با کسب پیروزی‌های نظامی در صحنه سیاسی، با دست پر به چانه‌زنی بپردازند تا در مذاکرات بین‌الافغانی در قطر، امتیاز بیش‌تر به دست آورند.

اما از قراین چنین معلوم می‌شود که برخلاف تصور طالبان، جنگ و خشونت در افغانستان رو به پایان است و در آینده‌ای نه چندان دور، صلح بر جنگ چیره خواهد شد و افغانستان، برای مردم افغانستان باقی خواهد ماند.

از آغاز حمله گروه طالبان بر شهر لشکرگاه مرکز ولایت هلمند، یک هفته می‌گذرد. گر چند حمله‌ی گروه مذکور، بعد از جا گذاشتن تلفات و ضایعات زیاد و بی‌جا شدن هزاران خانواده از مناطق درگیری، توسط نیروهای دولتی عقب زده شده و اکنون وضعیت در حال بهتر شدن است، اما نفس چنین حمله‌ی طالبان، هم‌زمان با مذاکرات بین‌الافغانی در قطر، این سوال را مطرح می‌سازد: در حالی که مردم و دولت افغانستان، کشورهای همسایه و جهان، یک پارچه خواستار آتش‌بس و قطع جنگ از سوی طرف‌های درگیر، برای حل منازعه افغانستان از راه صلح و مذاکره بین‌الافغانی هستند، گروه طالبان با این اقدام چه هدفی را دنبال می‌کند؟

در این مورد، جز این‌که تشدید جنگ از سوی طالبان را به هدف امتیازگیری در مذاکرات قطر بدانیم، نمی‌شود توجیه دیگری داشته باشیم.

برای این‌که هیأت مذاکره‌کننده‌ی افغانستان در نشست قطر، از دولت افغانستان نماینده‌گی می‌کند، دولتی که از حمایت مردم برخوردار بوده و ۳۴ ولایت کشور را در کنترل خود دارد.

اما گروه طالبان از این امتیاز بی‌بهره‌اند. زیرا آنان به عنوان یک گروه شورشی و مخالف دولت و نظام جمهوری، تنها در ولسوالی‌های دورافتاده و قریه و قصبات، حضور غیرعلنی دارد. بنا بر این، طالبان در آرزوی آن‌اند که حد اقل مرکز یکی از ولایات کشور را تحت کنترل خودشان در آورده و در آن‌جا، امارت طالبانی‌شان را تشکیل کنند.

طالبان غافل از آن‌اند که مردم آزادمنش افغانستان زنده‌گی با عزت می‌خواهند. از اسارت و محدودیت‌های فکری، فرهنگی، اعتقادی و مذهبی بیزار اند و از نظام جمهوری به دلیل این‌که انسان‌محور است و در آن، ارزش‌های معنایی و حقوق شهروندی محفوظ می‌باشد، حمایت می‌کنند.

این واقعیت، طی دو دهه‌ی پسین به اثبات رسیده و این‌که باربار حملات سنگین و پلان‌شده طالبان، با القاعده و داعش، برای تصرف مراکز ولایات (کنند، غزنی، فراه و اخیراً هلمند)، به شکست انجامیده، موید این ادعا است.

چنین به نظر می‌رسد که گروه طالبان، در این مقطع زمانی و در گرم‌گرم بازی‌های سیاسی، دچار محاسبه‌ی غلط گردیده و این باور به آن‌ها دست داده است که اگر بتوانند، مرکز یک ولایت را سقوط

دفاعستان اسلامی جمهوری دولت
دولت جمهوری اسلامی افغانستان

دکترهنی، اوپولگولوو مالداری وزارت
وزارت زراعت، آبیاری و مالداری

Islamic Republic of Afghanistan
Ministry of Agriculture, Irrigation and Livestock

معینت مالی و اداری
ریاست تهیه و تدارکات
امریت عمومی اجناس و خدمات غیر مشورتی

اطلاعیه تصمیم اعطای قرار داد

بدینوسیله به تاسی از ماده چهل و سوم قانون تدارکات به اطلاع عموم رسانیده میشود که وزارت زراعت، آبیاری و مالداری در نظر دارد تا پروژه تدارک ۷۴ قلم مواد و وسایل لابراتواری خاکشناسی مورد ضرورت ریاست تحقیقات خاکشناسی تحت داوطلبی باز داخلی با کد نمبر MAIL/PD/NCB/G182/99/ Rebid را به افغان پوهان لمیتد دارای جواز نمبر (۲۲۷۸۴) به قیمت مجموعی مبلغ (۸۸۵,۷۵۵,۰۰۰) افغانی (هشت صد و هشتاد و پنج هزار و هفت صد و پنجاو پنج افغانی) اعطا نماید.

اشخاص حقیقی و حکمی که هرگونه اعتراض در زمینه داشته باشند، میتوانند اعتراض خویش را از تاریخ نشر این اعلان الی هفت روز تقویمی طور کتبی توام با دلایل آن به ریاست تهیه و تدارکات وزارت زراعت، آبیاری و مالداری واقع کارته سخی، جمال مینه، وفق احکام ماده پنجاهم قانون تدارکات ارایه نمایند.

این اطلاعیه به معنی عقد قرار داد نبوده والی تکمیل میعاد فوق الذکر وطنی مراحل قانونی بعدی، قرار داد منعقد نخواهد شد.

دبیر بخش ویدیو: محمد نصیر کاوشگر
خبرنگاران: عبدالاحمد حسینی، حبیب بهش، محمد حسین نیک‌خواه، خلیل رسولی، هما همتا، الیاس طاهری، احمد شاه شاداب، حفیظ علی خیل، توفان عمری، شعب حکیمی، پرویز کامروز، زهرا عطایی

ویراستار: علی نظری، س. نوین
صفحه آرایی: رضا مرادی
پذیرش اعلان: ۰۷۰۰۱۷۵۵۱۰ - ۰۷۸۸۷۸۷۹۹
نشانی پستی: صندوق پستی ۰۲۵-۰۳۸، پسته‌خانه مرکزی، کابل، افغانستان
نشانی دفتر کابل: تایمنی، کابل، افغانستان
صبح نوشته‌ها را ویرایش می‌کند. سرمقاله بازتاب‌دهنده‌ی دیدگاه ۸ صبح است. سایر دیدگاه‌های مطرح‌شده در مقاله‌ها، به نویسندگان آن برمی‌گردد.

سنجر سهیل: sanjarsohail@yahoo.com
مجیب مهرداد: mujib_mehrdad@yahoo.com
وحید پیمان: s.wahid.payman@gmail.com

خلیل اسیر
علی شاه حقمیل
نورعلی فرحت

صاحب امتیاز: مدبر مسوول: سردبیر: دبیر گزارش‌ها: دبیر بخش خبر: دبیر رسانه‌های اجتماعی: نورعلی فرحت



Publisher: Sanjar Sohail, sanjarsohail@yahoo.com
Editor-in-Chief: Mujib Mehrdad, mujib_mehrdad@yahoo.com

Facebook.com/8am.af
Youtube.com/HashteSubhdaily
Twitter.com/@Hashtesubhdaily
instagram.com/8am.af_official
www.8am.af

نسخه پیشرفته پکسک ازی (AZIPAY)

عزیزی بانک
Azizi Bank

عزیزی بانک برنامه پیشرفته میابلی (AZI PAY) خود را معرفی کرده است که تمام ویژگی‌های پیشرفته جدید مانند ورود با بیومتریک، شناخت چهره، سهولت چندین زبان (پشتو، دری و انگلیسی) استفاده از دالر امریکایی، دیدن صورت حساب و صورت حساب کوتاه، برداشت پول از ماشین خودپرداز صرافتی، ارسال پول به شماره میل و اخذ آن از ماشین‌های اتومات صرافتی، اضافه کردن کربنت به میابلی، پرداخت بل را دارا می‌باشد.

لطفا نسخه جدید ازی بی را از ایستور و پلی ستور دونلود (بارگیری) نمایید. برای معلومات بیشتر به شماره 24 ساعته 1515 به تماس شوید

www.azizibank.af 1515

توصیه‌های یک روان‌درمانگر برای والدین:

هفت اشتباه بزرگ والدین که باعث از بین بردن اعتماد به نفس و عزت نفس کودکان می‌شود

نویسنده: امی مورین

مترجم: حبیب بهزاد

منبع: سان‌پرسی

تمام والدین می‌خواهند کودکان‌شان با دلایل مناسب در مورد خودشان احساس خوبی داشته باشند. مطالعات نشان داده است، کودکانی که دارای اعتماد به نفس بیشتر اند، اضطراب کم‌تر دارند و از عمل‌کرد خوبی در مکتب و جامعه برخوردار اند و روابط اجتماعی سالم‌تری را تجربه می‌کنند.

به حیث یک روان‌درمانگر و نویسنده کتاب «۱۳ کاری که والدین از نظر ذهنی به خوبی آن را انجام نمی‌دهند» من متوجه شدم که بسیاری از والدین درگیر استراتژی‌هایی هستند که به اعتقاد آن‌ها اعتماد به نفس فرزندان‌شان را تقویت می‌کند. اما برخی از این استراتژی‌ها که در آن کودکان تلاش می‌کنند تا نسبت به آن‌چه که هستند احساس خوبی داشته باشند، می‌تواند نتیجه‌ی معکوس داشته و یک چرخه معیوب ایجاد کند.

در نتیجه، والدین ممکن است برای افزایش عزت نفس فرزندان‌شان اضافه‌تر از حد معمول تلاش کنند. در ذیل هفت اشتباه بزرگ والدین اشاره شده است که توسط آن اعتماد به نفس فرزندان‌شان را از بین می‌برند:

۱. اجازه دادن برای مسوولیت‌گریزی

هر چند ممکن است فکر کنید کارهای روزمره مسوولیت فرزندان‌تان را سنگین‌تر کرده و بر میزان استرس آن‌ها می‌افزاید، به این منظور به آن‌ها اجازه می‌دهید تا از مسوولیت‌ها شانه خالی کنند، اما باید بدانیم که کار کردن در خانه و سپردن مسوولیت به آن‌ها در امور کاری باعث می‌شود تا آن‌ها شهروندان مسوولیت‌پذیری بار آیند.

انجام وظایف متناسب به سن کودکان، به آن‌ها کمک می‌کند تا بر کارها تسلط پیدا کرده و احساس موفقیت کنند. خواه به آن‌ها بگویید که در لباس شویی با شما کمک کنند، یا سطل آشغال را بیرون ببرند یا هر کاری دیگری به آن‌ها سپرده می‌شود، به هر صورت، این مسوولیت‌ها فرصتی است که فرزندان‌تان می‌توانند توانایی‌ها و شایسته‌گی‌های‌شان را عملاً ببینند. در نتیجه بهتر است آن‌ها را تشویق به مسوولیت‌گریزی نکنید و برعکس تشویق کنید تا مطابق به توان‌شان در کارهای روزانه سهیم شوند.

۲. جلوگیری از مرتکب شدن اشتباه

کار سختی است وقتی می‌بینید کودک‌تان ناکام می‌شود، رد می‌شود، دچار اشتباه می‌شود یا چیزی را به هم می‌زند. وقتی این کار اتفاق می‌افتد، بعضی والدین تلاش می‌کنند تا قبل از انجام اشتباه بزرگ‌تر، مانع فرزندان‌شان شوند. این مانع شدن فرصت بزرگی را از آن‌ها می‌گیرد. چون خیلی‌ها با مرتکب شدن اشتباه موارد زیادی را می‌آموزند و از آن درس

عبرت می‌گیرند.

این‌که فرزندان‌تان قبل از اشتراک در بازی بزرگ فوتبال، زمان بازی را فراموش کنند یا در مسابقه ریاضی‌شان چند سوال را اشتباه کنند، این اشتباهات می‌توانند بزرگ‌ترین درس زنده‌گی‌شان باشد و هر یکی از این مشکلات می‌تواند مسیر جدیدی را بر روی کودکان‌تان باز کند. هر یک از این فرصت‌ها برای این است تا آن‌ها بتوانند قدرت ذهنی مورد نیازشان را برای انجام کارهایی که قرار است در آینده انجام شود را بیشتر و بهتر تقویت کنند و چانس موفقیت در برنامه‌های بعدی را افزایش دهد. بنا بر این بهتر است در بسیاری حالاتی که آن‌ها مرتکب اشتباه می‌شوند، سرزنش بی‌مورد نکنید.

۳. محافظت در برابر احساسات‌شان

وسوسه‌انگیز است که فرزندان‌تان وقتی ناراحت‌اند به آن‌ها روحیه ببخشید یا وقتی عصبانی‌اند آرام‌شان بسازید. اما باید بدانیم که چگونه‌گی و واکنش ما در برابر احساس فرزندان‌مان تأثیر زیادی در رشد هوش هیجانی و عزت نفس آن‌ها دارد. بهتر است به فرزندان‌مان یاد بدهیم تا چیزهایی که احساسات آن‌ها را تحریک می‌کند را شناسایی کنند و به آن‌ها یاد بدهیم که چگونه خود را در برابر این تحریک‌ها، تنظیم کنند. چارچوبی را در اختیار آن‌ها قرار بدهیم که به آن‌ها در توضیح احساس‌شان کمک کند تا در آینده راحت‌تر با این احساسات کنار آیند.

۴. تقویت ذهنیت قربانی

گفتن جملاتی چون «ما نمی‌توانیم مثل کودکان دیگر کفش جدید بپوشیم، یا کار متفاوت انجام دهیم، چون ما یک خانواده فقیر هستیم» برای کودکان‌تان این نکته را تقویت و برجسته می‌کند که بیشتر شرایط زنده‌گی از کنترل آن‌ها خارج است. این کار آن‌ها را وادار می‌کند تا دست از هر نوع تلاش در زنده‌گی بردارند. به جای این‌که به فرزندان خود اجازه دهید تا برنامه‌های ترحم‌آمیز دایر کنند، یا در بدبختی‌های‌شان اغراق کنند، بهتر است آن‌ها را تشویق کنید تا اقدامات مثبتی انجام دهند. (مثلاً یک صندوقچه کوچک برای‌شان خریداری کنید تا بتوانند برای خرید وسایل مورد نیاز خود از امروز پس‌انداز کنند).

کودکانی که انتخاب‌های‌شان در زنده‌گی را تشخیص دهند، برای ایجاد یک آینده بهتر، اطمینان بیشتر تری دارند.

۵. محافظت بیش از حد

مطمیناً، محافظت جدی کودکان‌تان یا نگه داشتن آن‌ها در داخل یک حباب محافظ، اضطراب و نگرانی‌تان را از بین می‌برد، اما نگهداری آن‌ها در یک محیط بسته و دور نگه داشتن آن‌ها در برابر چالش‌ها، مانع پیشرفت آن‌ها خواهد شد.

بهتر است به حیث والدین مسوول، به جای محافظت بیش از



حد، یک راهنما برای آن‌ها باشید. به فرزندان‌تان اجازه دهید تا زنده‌گی را عملاً تجربه کنند، حتی آن‌ها را وادار کنید تا در جاهای ترس‌ناک نیز حرکت کنند. با این کار به آن‌ها فرصت می‌دهید تا عملاً اعتماد به نفس به دست بیاورند و آن‌ها را قادر می‌سازید تا با تمام ناملایمات روزگار آشنا شوند و سرسختانه مبارزه کنند.

۶. توقع کارهای بی‌عیب و نقص

خوب است از فرزندان‌مان توقع کارهای خوب داشته باشیم، اما انتظار بیش از حد، نتیجه‌ی بدی نیز دارد. وقتی فرزندان‌تان ببینند که انتظارات از حد توان آن‌ها بیش‌تر است، شاید حتی زحمت به انجام آن کار را ندهند یا شاید برای برآورده کردن آن‌ها دست به کارهای خطرناکی بزنند. به جای انتظارات بیش از حد، خوب است توقع واضح و روشن در درازمدت داشته باشید و یک مسیر کاری را نیز برای آن‌ها تنظیم کنید. به طور مثال، رفتن به مکتب یا دانشگاه یک توقع طولانی‌مدت است در همین جریان از آن‌ها بخواهید تا بعضی اهداف کوتاه‌مدت را نیز برآورده کنند (مثلاً، کتاب‌های بیش‌تر بخوانند، درجه خوب‌تر کسب کنند، وظایف خانه‌گی‌شان را به خوبی انجام دهند یا حتی مهارت‌های اضافی کسب کنند).

۷. تنبیه کردن، به جای نظم‌دهی

کودکان باید یاد بگیرند که برخی اقدامات منجر به عواقب جدی می‌شود. اما بین تنبیه کردن و نظم دادن، تفاوت عمده‌ای وجود دارد. کودکانی که نظم داده می‌شوند، فکر می‌کنند: «من تصمیم بدی گرفتم»، کودکانی که تنبیه می‌شوند فکر می‌کنند: «من آدم بدی هستم».

به عبارت دیگر، نظم و انضباط به کودکان اطمینان می‌دهد که در آینده می‌تواند هوش‌مندانه و سالم‌تر تصمیم بگیرد و انتخاب کند، اما کودکانی که مجازات و تنبیه می‌شوند، فکر می‌کنند قادر به انجام کارهای بهتر نیستند و این کار عملاً اعتماد به نفس آن‌ها را از بین خواهد برد.

سرنگونی پرواز ۷۵۲؛

تاکید اوکراین بر اجرای «عدالت» در مذاکرات

به گزارش یورونیوز دومین دور مذاکرات ایران و اوکراین درباره سرنگونی هواپیمای مسافربری خطوط هوایی اوکراین در آسمان ایران روز دوشنبه در تهران آغاز شد. به گزارش خبرگزاری‌های ایران، محسن بهاروند، معاون امور حقوقی و بین‌المللی وزیر امور خارجه ایران، در ابتدای دور دوم گفت‌وگوها با مقام‌های اوکراینی ضمن تأکید بر وقوع «خطای انسانی» در جریان حادثه سرنگونی پرواز ۷۵۲ هواپیمای بین‌المللی اوکراین گفت: «جمهوری اسلامی ایران تلاش خواهد کرد تا طرف اوکراینی نیز از این موضوع اطمینان یابد.»

به گزارش یورونیوز، در مقابل یوهن ینین، معاون وزیر خارجه اوکراین که ریاست هیات این کشور در مذاکرات تهران را برعهده دارد، گفته است کی‌یف امیدوار است که مشخص شود دلیل حادثه روی داده برای پرواز «پی‌اس ۷۵۲» نتیجه «محاسبه اشتباه» در سامانه سازمان‌دهی پروازها بر فراز ایران بوده است یا «خطای انسانی».

به گفته‌ی معاون وزیر خارجه اوکراین، سه گروه کاری متشکل از کارشناسان هوانوردی، دادستان‌های تحقیقی و ارتش در جریان مذاکرات تهران تشکیل شده‌اند. یوهن ینین گفت: «درخواست عدالت از طرف جامعه‌ی ما در اولویت قرار دارد. هرچه‌قدر هم این حقیقت تلخ باشد، اما از این موضع هم عقب‌نشینی نخواهیم کرد.»

محسن بهاروند در بخشی از سخنان روز دوشنبه خود اظهار داشت: «رویکرد جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر شفافیت است و در خصوص این سانحه چیزی برای پنهان کردن ندارد و آماده است تا صادقانه مردم و هیات اوکراینی را از جزئیات سانحه مطلع سازد.»

رئیس هیات ایرانی هم‌چنین در مذاکرات تهران بر عزم کشورش برای «رسیده‌گی کی‌یفی و مجازات خاطیان»، «برقراری عدالت» و «پرداخت غرامت به بازمانده‌گان» تأکید کرد.

سعید خطیب‌زاده، سخنگوی وزارت امور خارجه ایران، نیز روز دوشنبه در مورد دور دوم مذاکرات با اوکراین در تهران گفت: «اتفاق بسیار ناگواری رخ داد و احقاق حقوق جان‌باخته‌گان و ترمیم این موضوع وظیفه‌ی ایران است. وظیفه‌ی ما است که در این زمینه به تعهدات خود عمل کنیم و ما از همان روزهای اول همکاری فوق‌العاده‌ای را با دولت اوکراین در این زمینه داشتیم و هم‌چنان این همکاری‌ها ادامه دارد.»

یک فرزند هواپیمای خطوط هواپیمایی اوکراین روز هشتم جنوری سال جاری میلادی پس از برخاستن از فرودگاه امام خمینی تهران، سقوط کرد. ستاد کل نیروهای مسلح ایران سه روز بعد با انتشار بیانیه‌ای اعلام کرد که این هواپیما بر اثر «خطای انسانی» و به صورت «غیرعمد» با شلیک موشک‌های ایران سرنگون شده است. ایران تنها ساعاتی پیش از این حادثه در واکنش به حمله امریکا بر کاروان فرمانده سپاه قدس در بغداد که منجر به کشته شدن قاسم سلیمانی شد، بر دو پایگاه نظامیان ایالات متحده در عراق حمله کرده بود.

شمار بیماران کرونایی در جهان از مرز ۴۰ میلیون عبور کرد

ویروس کرونا متهم شده‌اند. کارشنان بهداشت معتقد اند که برخی از بیماران کرونایی به دلیل این‌که علائم این بیماری را بروز نمی‌دهند، ممکن است ناشناخته بمانند.

براساس گزارش، امریکا، هند و برازیل نیمی از مبتلایان بیماری کووید-۱۹ را به خود اختصاص داده‌اند؛ هرچند گفته شده است که شیوع ویروس کرونا در هند کاهش یافته است.

شمار بیماران کرونایی در امریکا به هشت میلیون و شمار قربانیان در این کشور به ۲۱۹ هزار و ۶۸۰ تن می‌رسد.

طبق اطلاعات دانشگاه جانس هاپکینز امریکا، شمار بیماران کرونایی در سطح جهان از مرز چهار میلیون گذشته است. این اطلاعات صبح روز دوشنبه، بیست‌وهشتم میزان، همه‌گانی شده است.

به این ترتیب، شمار قربانیان ویروس کرونا نیز در سطح جهان به یک میلیون و ۱۱۵ هزار تن رسیده است؛ هرچند آمار واقعی ابتلا به ویروس کرونا در جهان ممکن است بیش از رقم رسمی باشد.

آزمایش ویروس کرونا در سراسر جهان و حتا در کشورهای پیش‌رفته با محدودیت روبه‌رو است.

هم‌چنان برخی از کشورها به پنهان‌کاری درباره ارایه معلومات واقعی از میزان مرگ‌ومیر ناشی از ابتلا به

همسر مریم نواز شریف، رهبر مخالفان دولت پاکستان، بازداشت شد

شهر کراچی صورت گرفته است. معترضان علیه عمران خان، نخست‌وزیر پاکستان، شعار دادند و او را به بی‌کفایتی متهم کردند.

خانم شریف، دختر نواز شریف، نخست‌وزیر سابق پاکستان است و به تازه‌گی با چند حزب مخالف دولت در پاکستان ائتلافی را تشکیل داده‌اند که هدفش برکناری دولت کنونی و پایان دادن به آن‌چه که مداخله نظامیان در امور سیاسی خوانده می‌شود، است.



پولیس پاکستان، محمدصفر اعوان، همسر مریم نواز شریف، رهبر مخالفان در پاکستان را در شهر کراچی بازداشت کرد.

به گزارش بی‌بی‌سی فارسی، خانم نواز شریف در تویییتی اعلام کرد که در اولین ساعات بامداد روز دوشنبه، بیست‌وهشتم میزان، نیروهای امنیتی به هتل محل اقامت آن‌ها آمده و محمدصفر اعوان، همسر او را بازداشت کرده‌اند.

مقام‌های رسمی گفته‌اند که آقای صفر با شعارهای ضد دولتی در یک تجمع به «قاید اعظم» (محمدعلی جناح، بنیان‌گذار پاکستان) توهین کرده است. بازداشت آقای صفر در پی تظاهرات گسترده روز گذشته در